

Research Article

Dor: 20.1001.1.25385968.1402.18.2.10.9

## Towards a Balance of Power Distribution Among Urban Space Production Actors- Development of PIUS theory (Model of People-Space-Government Participation)

Nayyer Farabi-Asl<sup>1</sup>, Mojtaba Rafieian<sup>2\*</sup> & Mohammadreza Khatibi<sup>3</sup>

1. Ph.D Candidate, Department of Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

2. Professor, Department of Urban Planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

3. Assistant Professor Department of Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

\* Corresponding author: Email: [rafiei\\_m@modares.ac.ir](mailto:rafiei_m@modares.ac.ir)

Receive Date: 16 July 2021

Accept Date: 07 February 2022

### ABSTRACT

**Introduction:** The development of the city to produce urban spaces and both are intertwined with the issue of power. Power structures and processes often lead to the gradual elimination of disorganized groups and interests in favor of organized and resource-dominated groups and interests. The pressure of the powers that be is problematic and the vacuum of the powers that are not causes imbalances in society. Analyzing these power relations helps urban decision-makers to find better solutions to urban problems.

**Research aim:** This research seeks to analyze and measure the power relations of actors in the production of urban space and to provide a solution to solve the equation of the power distribution of actors and in other words to balance the power shares of actors (theorizing derived from experience). The study area is a unique and highly populated urban space of Abbasabad lands with an area of 554 hectares is located in the central part of Tehran metropolis.

**Methodology:** The actors of the production of the desired urban space have been identified through semi-structured interviews with the method of snowball sampling to reach the experts of the target community of the research, as well as frequent field observations and documentary review to complete and verify. Then, the power relations between these actors were measured and analyzed through the flow analysis method using Ucinet software and the power of the actors was measured and analyzed through the interaction analysis method using MicMac software.

**Results :** The output of software analysis and analysis of the results obtained a level of communication and power of actors in the production of urban space in Abbasabad, which showed that there is no balance in the power of actors and citizens are at the lowest level of influence and role and influence in none They did not participate in the preparation, approval and implementation of the plan, and the independent private sector is not present in this process.

**Conclusion:** Among the innovations of this research: 1- Using two softwares, MacMac and Ucinet, to identify and analyze the power of urban space production actors in a study sample. 2- In the field of developing the existing knowledge in urban planning, in order to make the production of urban spaces more citizen-oriented, using the latest ideas of thinkers in the field of urban planning and power, proposing the "government-space-people" model and forming a "public institution of spacemen" Urban "(executive-operational) and the presentation of the PIUS theory is proposed.

**KEYWORDS:** Production of Space, Theorizing, Balance of Power, Participation Model, Tehran Public Space



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی  
دوره ۱۸، شماره ۲ (پیاپی ۶۳)، تابستان ۱۴۰۲  
شاپای چاپی ۰۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۰۹۵۵X-۲۵۳۸  
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>  
صص. ۹۳-۱۱۳

Dor: 20.1001.1.25385968.1402.18.2.10.9

مقاله پژوهشی

## بسوی موازنه توزیع قدرت کنشگران در تولید فضای شهری

### تدوین نظریه‌ی PIUS (مدل مشارکت مردم-فضا-دولت)

نیر فارابی اصل<sup>۱</sup>، مجتبی رفیعیان<sup>۲\*</sup> و سیدمحمدرضا خطیبی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

۲. استاد گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. استادیار گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

\* نویسنده مسئول: Email: modares.ac.ir @ rafiei\_m

تاریخ دریافت: ۲۵ تیر ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۸ بهمن ۱۴۰۰

#### چکیده

**مقدمه:** توسعه شهر به تولید فضاهای شهری و هردو در هم تنیده با مساله قدرت هستند. ساختارها و فرایندهای قدرت در اغلب مواقع باعث حذف تدریجی گروهها و منافع غیرمتمسک به نفع گروهها و منافع متمسک و مسلط بر منابع می شود. فشار قدرت هایی که هستند مساله‌زا و خلاء قدرت‌هایی که نیستند باعث بروز عدم تعادل‌هایی در جامعه می‌گردد. تجزیه و تحلیل این روابط قدرت به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران شهری کمک می‌کند تا راه‌حل بهتری برای مسائل شهری پیدا کنند. این پژوهش به دنبال تحلیل و سنجش روابط قدرت کنشگران تولید فضای شهری و ارائه راهکار برای حل معادله توزیع قدرت کنشگران و به عبارتی تعادل سازی در سهم‌های قدرت کنشگران (نظریه سازی برگرفته از تجربه) است.

**روش‌شناسی تحقیق:** کنشگران تولید فضای شهری مورد نظر با مصاحبه نیمه ساخت یافته با روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی برای دستیابی به خبرگان جامعه هدف و مشاهدات مکرر میدانی و بررسی اسنادی جهت تکمیل و تدقیق شناسایی شده اند. روابط قدرت بین این کنشگران از طریق روش تحلیل جریان با بهره‌گیری از نرم افزار یوسینت (UCINET) و میزان قدرت کنشگران از طریق روش تحلیل اثرات متقابل با بهره‌گیری از نرم‌افزار میک‌مک (MICMAC) سنجش و تحلیل گردید.

**قلمرو جغرافیایی پژوهش:** محدوده مورد پژوهش، فضای شهری منحصربه فرد و بسیار بارش اراضی عباس‌آباد به وسعت ۵۵۴ هکتار واقع در بخش مرکزی کلانشهر تهران است.

**یافته‌ها:** خروجی تحلیل نرم‌افزارها و تدقیق نتایج، یک سطح‌بندی از میزان ارتباطات و میزان قدرت کنشگران تولید فضای شهری عباس‌آباد بدست داد که مشخص نمود تعادل در قدرت کنشگران وجود ندارد و شهروندان در پایین‌ترین سطح تأثیرگذاری قرار داشته و نقش و تأثیرگذاری در هیچ‌یک از مراحل تهیه و تصویب و اجرای طرح نداشتند و نیز بخش خصوصی مستقل نیز در این فرایند حضور ندارد.

**نتایج:** از نتایج و نوآوری‌های این پژوهش ۱. استفاده از دو نرم‌افزار میک‌مک و یوسینت برای شناسایی و تحلیل قدرت کنشگران تولید فضای شهری در یک نمونه مطالعاتی. ۲. در حوزه توسعه دانش موجود در برنامه‌ریزی شهری، در راستای شهروندمدارتر شدن تولید فضاهای شهری، با بهره‌گیری از جدیدترین اندیشه‌های اندیشمندان حوزه برنامه‌ریزی شهری و قدرت، پیشنهاد مدل "دولت-فضا-مردم" و تشکیل "نهاد عمومی فضاداران شهری" (اجرایی-عملیاتی) و ارائه نظریه PIUS پیشنهاد است.

**کلیدواژه:** تولید فضا، نظریه پردازی، قدرت، موازنه قدرت، کنشگران، مدل مشارکت، فضای عمومی تهران

## مقدمه

بازخوانی قصه‌ی آنچه بر شهر گذشته است از ایجاد و توسعه تا زوال شهرها و مرور نظریات نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران مباحث شهری و جغرافیایی از دیویدف که آغازگر بحث سیاست در برنامه‌ریزی شهری بود تا جین هیلیر و سایه‌های قدرتی که شفاف می‌کند و نظرات اوتال همگی نشان می‌دهد که شهر همواره متأثر از قدرت و سیاست بوده است و از سویی در همین مسیر، هانری لوفور و دیوید هاروی با فریاد زدن حق بر شهر و ساختارهای قدرت در تولید فضای شهری، برای دیدن بهتر رابطه و تأثیر متقابل قدرت در تولید فضاهای شهری چراغی جدیدتر روشن می‌کنند. توسعه شهر به تولید و بازتولید فضاهای شهری آن گره‌خورده است چراکه فضای شهری تجلی‌گاه حیات مدنی شهروندان و از سویی دیگر عرصه نمایش قدرت صاحبان قدرت در شهر است. بنابراین کنشگران در شهر همواره با فضای شهری در یک کشاکش پیچیده دائمی و تنازع بقا هستند به بیانی دیگر کنشگران در راستای اهداف و نیازها و خواسته‌های خود به تولید فضای شهری می‌پردازند و به بازنمایی قدرت خود پرداخته و بهره‌موردنظر خود را از فضا می‌برند و از دیگر سو ویژگی‌های این فضا و امکانات آن، نحوه بهره‌برداری و نوع فعالیت‌های انسان را تعیین می‌کند. می‌توان چنین بیان نمود که قدرت فرایندی بین مشارکت‌کنندگان در شهر است چنانکه میشل فوکو (و بعد جین هیلیر به نقل از فوکو)، توجه را به این مسئله جلب می‌نمایند که چگونه مشارکت‌کنندگان در شهر می‌کوشند قدرت خود را اعمال کنند و چه منابعی برای این کار در اختیاردارند. قدرت فرایندی است که در آن اعضای جامعه به‌طور مداوم مناسبات قدرت خود را در روابط روزمره می‌سازند، حفظ می‌کنند و درعین‌حال تغییر می‌دهند. ساختارهایی که متضمن سلطه‌اند، به‌این‌ترتیب همراه با اعمال قدرت در سطح خرد و سطح کلان، بازتولید می‌شوند. این ساختارها و فرایندها در اغلب مواقع باعث حذف و کنار گذاشته شدن تدریجی گروه‌ها و منافع غیرمتشکل به نفع گروه‌ها و منافع متشکل و مسلط بر منابع قدرت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌شود. پیامد این روند نیز، ناپایداری، ناکارآمدی و قدرت محور بودن سازمان فضایی و نظام استفاده از زمین‌های شهری است (هیلیر، ۱۳۸۸: ۱)

حال مسئله اینجاست که اغلب وابستگی عناصر قدرت شهری به ساختار کلان قدرت و فقدان نهادهای مدنی و مشارکتی شهروندان در جامعه خصوصاً کلان‌شهر، سدی بر سر راه رسالت فضاهای شهری در ایفای واقعی نقش خود می‌گردد. در فرایند تولید و بازتولید فضا در کلان‌شهر تهران نیز که توسعه شهر را منجر می‌گردد، عناصر یا کنشگران مختلفی تأثیرگذار هستند که روابط کنشگری یا روابط قدرت خاصی بین آن‌ها در جریان است. دغدغه تفکر و بررسی قدرت آن زمانی ملموس می‌گردد که فشار قدرتهایی که هستند مسئله‌زا و خلأ قدرتهایی که نیستند باعث بروز عدم تعادل‌هایی در جامعه گردد. درواقع همان‌طور که هیلیر<sup>۱</sup> (۱۳۸۸: ۱) به زیبایی مطرح می‌نماید این نکته پذیرفتنی است که پیشگامان، سازمان‌دهندگان و تغییردهندگان محیط مصنوع، آن‌هایی هستند که در سایه‌اند و با اتکا بر فرآیندهای پنهان، به تغییر محیط می‌پردازند. و فضاهای شهری امروز به‌جای پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع و در حال تغییر ساکنین و نیازهای نسل‌های آتی، تبدیل به ابزاری ساختارمند جهت به چرخش درآوردن انباشت سرمایه و قدرت افزونی انحصاری صاحبان قدرت در شهر شده است. از این رو تعارض‌های ایجاد شده بین منافع فردی صاحبان قدرت و منافع جمعی شهروندان در هر برهه زمانی و مکانی معضل جدیدی به طرق مختلف در شهر ایجاد می‌کند.

در ضرورت انجام پژوهش باید گفت همانگونه که پرواضح است فضاهای شهری یکی از ارکان اصلی شهر و تجلی‌گاه حیات مدنی و نمودی از حق بر شهر شهروندان و کاربران فضا در شهر است. و طراحی و مدیریت مناسب فضاهای شهری با توجه به نقش تأثیرگذار آنها در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سلامت روحی-جسمی، سرزندگی و به‌طور کلی ارتقاء کیفیت زندگی به‌عنوان یک ضرورت اساسی در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی شهری تبدیل شده است (تویچی خسروشاهی و همکاران، ۱۴۰۲). و ساکنان شهر نیز (چنانچه اندیشمندانی چون لوفور اشاره می‌کنند) حائز حقوق مختلفی نظیر حق تصمیم‌سازی (حق مشارکت مردم در تولید فضای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی) و حق ساماندهی (حق استفاده از خدمات مختلف شهری، حق استفاده کنندگان بر اعلان ایده‌هایشان بر فضا و زمان کنشگری‌هایشان در نواحی شهری) هستند (شکوه فر و همکاران، ۱۴۰۱). در این میان همواره فضاهای شهری باارزش و خاص، مکانی برای نمایش قدرت در اثرگذاری متقابل فضا و قدرت صاحبان قدرت بوده است و تاوان این انحصارطلبی‌ها همواره بر دوش شهروندان عادی تحمیل می‌گردد. در راستای تلاش برای حل این معضل و مساله مهمی شهری و اجتماعی، با توجه به اینکه عناصر و عوامل تأثیرگذار در تولید هر فضا و به عبارتی هر مکان و زمان، متفاوت

و تا حدی منحصربه‌فرد است و باعث ظهور فضاهای متفاوت می‌شود بنابراین نمی‌توان نسخه کلی و یگانه برای کل فضاها در مکان‌ها و زمان‌های مختلف پیچید، از این رو در بررسی فضا و روابط و ساختار قدرت کنشگران آن، باید یک فضای شهری مشخص را انتخاب نموده و روی آن بحث و بررسی نمود؛ همان‌طور که پتسی هیلی (Healey, 2003:101-105) نیز به این زمینه گرایشی تأکید اساسی دارد. از این رو برای دستیابی به یک دید کلی از همه گروه‌ها، بازیگران کلیدی و ذینفعان، باید روابط متقابل میان این ذینفعان را شناسایی کرده و مدنظر قرارداد تا سیستم مشارکت برای اجرا با توجه به نقش و جایگاه و نفوذ هر کدام از عناصر به‌درستی انجام شود.

نحوه تولید و بازتولید محدوده باارزش و منحصربه‌فرد اراضی عباس‌آباد که یک ثروت طبیعی و ملی برای همه ایران محسوب می‌شود طی دهه‌های اخیر و نحوه بهره‌برداری از آن توسط اقشار مختلف مردم نشان می‌دهد که اگر همین روال در تولید و بازتولید آن ادامه یابد خطر از دست رفتن آن برای شهروندان و شهر بسیار جدی است. "تحلیل قدرت ذی‌نفعان" در این فرایند، به برنامه ریزان و مدیران شهری ابزاری را به دست می‌دهد که به درک چگونگی نقش‌آفرینی و اثرگذاری مردم و نهادهای مختلف رسمی و غیررسمی و سیاست‌ها و نگرش‌های موجود در جامعه برهم دیگر نائل شده و همچنین شناخت گپ‌ها و پتانسیل‌های موجود برای راهکارهایی ضرورت دارد. این پژوهش به دنبال پاسخ به سه پرسش محوری زیر است:

- روابط قدرت بین کنشگران تولید فضای شهری اراضی عباس‌آباد تهران به چه صورت است؟
- چگونه می‌توان معادله توزیع قدرت بین کنشگران تولید فضای شهری را با بهره‌گیری از نظریه‌سازی برگرفته از تجربه و بومی‌گرا (در اراضی عباس‌آباد تهران) را حل کرد؟
- در راستای شهروندمدارتر شدن تولید فضاهای شهری، (با بهره‌گیری از جدیدترین اندیشه‌های اندیشمندان حوزه برنامه‌ریزی شهری و قدرت) چه اقدام اجرایی می‌توان انجام داد؟

در واقع هدف اصلی این پژوهش ارائه راهکار برای حل معادله توزیع قدرت کنشگران و به عبارتی تعادل‌سازی در سهم‌های قدرت کنشگران با بهره‌گیری از نظریه‌سازی برگرفته از تجربه است؛ و برای رسیدن به این هدف تحلیل و سنجش روابط قدرت کنشگران تولید فضای شهری را در یک زمینه تجربی در ایران (یعنی اراضی عباس‌آباد) انجام می‌شود.

از آنجایی که برای نایل شدن به ارائه یک نظریه بومی و کاربردی و افزودن قطره‌ای بر دریای دانش فنی زمانه، ضرورت دارد که ابتدا مسیر طی شده جهانی در آن مفهوم و موضوع، مورد کنکاش و توجه قرار گیرد تا از موازی‌کاری و بازگشت به عقب در دانش موجود، جلوگیری شود از این رو در این پژوهش، ابتدا نیم‌نگاهی به مفهوم قدرت کنشگران و سیر تحول آن انداخته و عوامل تأثیرگذار بر آن و بحث‌های مربوط به مشارکت کنشگران در تولید فضای شهری و جدیدترین رویکردها در این حوزه مطرح می‌شود و در نهایت با توجه به شرایط بومی محدوده انتخابی برای این پژوهش، راهکار نهایی با بهره‌گیری از یافته‌های حاصل از نمونه مورد مطالعه، پیشنهاد می‌گردد.

در خصوص سیر تحول مفهوم قدرت و جایگاه آن در نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری می‌توان گفت که قدرت یکی از مهم‌ترین و متضادترین مفاهیم در علوم اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و در کل شهری است، مفهومی چالش‌برانگیز و همچنین یکی از رایج‌ترین و مبهم‌ترین نظریات است که به‌صورت روزبه‌روز در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به صور گوناگون درک می‌شود. نظریه‌پردازان برجسته‌ای همچون پارسونز<sup>۱</sup> وبر، لوکس<sup>۲</sup>، گیدنز<sup>۳</sup>، فوکو<sup>۴</sup>، کلاگ<sup>۵</sup> و موریس<sup>۶</sup> در حوزه قدرت دیدگاه‌های خود را مطرح نموده‌اند. در جدول (۱) بخشی از این نظرات ارائه شده است.

1. Parsons
2. Lukes
3. Giddens
4. Foucault
5. Clegg
6. Morriss

## جدول ۱. نظرات اندیشمندان حوزه قدرت در برنامه‌ریزی شهری (با تأکید بر کنشگران و روابط قدرت)

اندیشمندان	نظرات
میشل فوکو	آثار میشل فوکو را می‌توان برای تحلیل کارکرد قدرت در مکان‌ها و شیوه‌های غیرمنتظره به کار برد. فوکو استدلال کرد قدرت را باید در ظرف کاربردها و تأثیراتش تحلیل کرد. وی مشتاق بود قدرت را در جزئیات اعمال اجتماعی تحلیل کند. و اعتقادش بر این بود که قدرت لزوماً چیزی منفی نیست، بلکه حقیقت همان قدرت است، قدرت متکثر است و از سوی یک مرکز سیاسی واحد اجرا نمی‌گردد، بلکه از جاهای بی‌شماری اعمال می‌گردد.
پتسی هیلی	فوکو معتقد است مردم بیش از آن که خود فکر می‌کنند آزادند و آنان موضوع‌هایی را به‌عنوان حقیقت یا به‌عنوان بداهت می‌پذیرند که در یک‌لحظه خاص تاریخ ساخته شده‌اند و این به‌اصطلاح بداهت را می‌توان مورد نقادی قرار داد و از میان برداشت (Foucault, 1988). در تلاش‌های خود برای پیوند نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری با عمل و آنچه در واقعیت رخ می‌دهد، به بررسی پیچیدگی‌های شهری و روابط و کنش‌هایی که اتفاق می‌افتاد و استراتژی‌های فضایی در هماهنگی با عامل زمان پرداخته است. هیلی با بیان مفهوم حاکمیت با عنوان ترویج عمل جمعی باهدف تحقق منافع عمومی در حوزه‌های مختلف دولتی، اقتصادی و جامعه مدنی، توضیح می‌دهد که این کار از طریق شبکه رخ می‌دهد (هیلی، ۱۳۹۷).
جین هیلی	قدرت شهری را با مکمل نمودن نظریات هابرماس و فوکو مورد بررسی قرار می‌دهد. وی بخش‌های نظریه خود را از فوکو و بخش تجویزی را از هابرماس اقتباس نموده است (هیلی، ۱۳۸۸).
استیون لوکس	دیدگاه سه بعد قدرت را مطرح نمود (لوکس، ۱۳۹۳).

با بررسی نظریات نظریه‌پردازان در حوزه قدرت و برنامه‌ریزی شهری ملاحظه می‌گردد که عمده‌ترین تغییراتی که قدرت در دوران اخیر، به‌ویژه در تفکر پست‌مدرن، به خود دیده این است که قدرت فرایندی نرم و سیال تلقی می‌شود و سرعت پخش و انتشار آن شتاب گرفته است. به‌عبارتی از حالت مطلق و ثابت دوره قبل از مدرن، به توجه به چپستی و چگونگی و توزیع قدرت در دوره مدرن و سپس در دوره‌های بعد به توجه به قدرت از سطوح کلان به سطوح خرد وزندگی روزمره معطوف می‌شود و در قالب رابطه و شبکه مطرح می‌گردد (شکل ۱ و شکل ۲). به عبارتی می‌توان گفت با توجه به رواج نظریه انتقادی در شهرسازی (که به دنبال نشان دادن روابط قدرت در چارچوب پدیده‌های مختلف است (نقل مفهوم از نوذری، ۱۳۸۴: ۱۲۴))، تأثیر نظریه قدرت بر نظریه‌های متأخر شهرسازی بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی شهری تأکید داشته است. بدون توجه و درک عمیق مؤلفه‌های نظام قدرت، استخراج شیوه متعادل سازی و توزیع آن ناممکن می‌نماید (ایمانی شاملو و رفیعیان، ۱۳۹۵: ۲۸۹). نقد به توزیع قدرت و نقش دولت زمینه‌ساز توسعه نظریه‌های مبتنی بر توجه به حضور کنشگران مختلف در شهر و تولید فضای شهری می‌گردد. به عبارتی می‌توان گفت از دهه ۱۹۷۰ به بعد سعی بر این بوده که جنبه تخصص‌گرایانه و تکنوکرات شهرسازی به جنبه مشارکتی و همکارانه با مردم تغییر کند؛ از این رو تئوری‌های برنامه‌ریزی مشارکتی، برنامه‌ریزی همکارانه، حکمروائی خوب شهری و تئوری شبکه‌ای در میان شهرسازان و برنامه‌ریزان شهری رواج یافته است. ساختار قدرت نیز با گرایش به سمت نهادگرایی محلی و مشارکت اجتماع‌محور<sup>۱</sup> سعی در بهبود حکمروائی خود داشته است. توجه به ایدئولوژی و ساختارهای حاکم، نهادها، عواملان، کثرت کنشگران در تصمیم‌گیری‌ها، منافع و ارزش‌ها و انگیزه‌های کنشگران و از سوی دیگر منابع قدرت، همسو با توجه به زمینه‌گرایی در تولید فضای شهر (ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، هویتی، اقتصادی و غیره) برگ دیگری از دفتر قدرت و تولید فضای شهری را رقم می‌زند.

قدرت در دوره پست مدرن-معاصر	
اندیشمندان مطرح	مفاهیم کلیدی مطرح شده قدرت
فریدریش نیچه (۱۸۴۴-۱۹۰۰ م)	دیدگاه فلسفی به قدرت-غریزه قدرت/اراده معطوف به قدرت
مارتین هایدگر (۱۸۸۹-۱۹۷۶ م)	دیدگاه فلسفی به قدرت-چون در جهان خود به منزله قدرت طلبی
میشل فوکو (۱۹۲۶-۱۹۸۴ م)	پیوند قدرت و دانش-قدرت رابطه ای و شبکه ای (قدرت رابطه ای است و قابل مشاهده نیست) و تغییر قدرت به استراتژی-توصیف چگونگی اعمال قدرت(توجه به پیامدهای قدرت) مقاومت در برابر قدرت-سیاحت تبارشناسانه درباره قدرت(قدرت گفتمانی، قدرت انتظامی و قدرت معطوف به حیات)-تفکیک ناپذیری قلمرو حاکمیت و سلطه-قدرت: واسطه پیوند مفهومی بین حاکمیت و سلطه
پی بر بوردیو (۱۹۳۰-۲۰۰۲ م)	قدرت نمایان (توجه به رابطه بین فرهنگ، کسب‌وکار اجتماعی و قدرت)-توجه به مناسبات قدرت نمایان (بررسی چگونگی بازتولید قدرت و سلطه در قالب نمایان)-روابط بین زبان، قدرت و سیاست-زبان به منزله یکی از ابزارهای مشروع سازی سلطه در جامعه و عامل اقتدار افراد و گروه ها
جان فریدمن (۱۹۲۶-۲۰۱۷ م)	معرفی قدرت با چهار بعد دولت، اجتماع منطقی سیاسی، اقتصاد شرکتی و جامعه مدنی-ارتباط میان آنها و نیز نهادها به عنوان هسته آنها-عرق‌ریختار در دسترس برای کنشگران هر حوزه

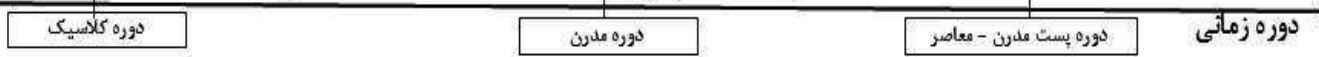
اندیشمندان مطرح	مفاهیم کلیدی مطرح شده قدرت
یتسی هیلی (۱۹۴۰ م)	با بیان مفهوم حاکمیت با عنوان ترویج عمل جمعی با هدف تحقق منافع عمومی در حوزه های مختلف دولتی، اقتصادی و جامعه مدنی، توضیح می دهد که این کار از طریق شبکه کنشگران رخ می دهد-قدرت یک «رابطه» است به طور همزمان در چندین سطح-روابط قدرت در پویایی تعامل بین بازیگران خاص که به طور مداوم در یک دیالکتیک و بی وقفه جریان دارد
جین هیلبر (۱۹۵۲ م)	بهره گیری از حوادث عملی در برنامه ریزی (پیوند نظریه و عمل)-رابطه پیچیده قدرت بین کنشگران مختلف در عرصه عمل-تاکید بر قراردادهای گفتگوی-تاکید به تاثیرگذاری کنشگران مختلف به صورت شبکه غیررسمی-تاکید بر رویکرد کنشگر-شبکه-تاکید بر سایه های قدرت-

قدرت در دوره مدرن	
اندیشمندان مطرح	مفاهیم کلیدی مطرح شده قدرت
تیکولو ماکیاوولی (۱۵۲۷-۱۴۶۹ م)	اتخاذ رویکرد تجربی در باب قدرت و سیاست شهرویار
ژان بدن (۱۵۳۰ م)	برشمردن حاکمیت به عنوان ویژگی دولت-ضرورت اطاعت و تبعیت شهروندان از اقتدار عالی شاهان و حاکمان
توماس هابز (۱۶۷۹-۱۵۷۷ م)	تئوریزه کردن مفهوم قدرت-استقرار حاکمیت، با توافق و قرارداد بسیار و واگذاری آن به یک حکمران (سختن از دولت تاسیسی و دولت اکتسابی)-اعتقاد به یکپارچگی و مطلق بودن اقتدار حکمران-قدرت همچون کالایی قابل تصاحب و قابل مالکیت-پذیرش قراقدرت در نهاد پادشاهی (اوپاتان)
جان لاک (۱۷۰۴-۱۶۳۲ م)	منشأ قدرت در مردم-فلسفه حکومت انتخابی-انکار صریح حق الهی پادشاهان و نفی قدرت مطلق حاکم-در نظر گرفتن ویژگی امانت برای قدرت
بارون دو مونتسکیو (۱۷۵۵-۱۶۸۹ م)	منشأ گرفتن ماهیت جامعه از ماهیت و اصول حاکمیت-بررسی رابطه بین اب و هوا و انواع حکومت
ژان ژاک روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲ م)	حاکمیت اراده عمومی و مطلق و نامحدود بودن این حاکمیت-حاکمیت تقسیم شده(حاکمیت مردم)
امانوئل کانت (۱۸۰۴-۱۷۲۴ م)	دولت، نمایندگی اراده کلی مردم و وابستگی فرد به دولت-تایاقتی بودن منشأ قدرت
کارل مارکس (۱۸۸۳-۱۸۱۸ م)	خصلت طبقاتی دولت (نقش طبقه سرمایه دار در دولت و قدرت دولتی؛ دولت به منزله ابزار تأمین منافع طبقه متوسط)-قدرت خدایی پول و نقش روابط تولید در قدرت-قدرت طبقه اجتماعی حاکم در هر ساخت اجتماعی، تأسیس؛ تسلط انباشته تولید
اندیشمندان مطرح	مفاهیم کلیدی مطرح شده قدرت
ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰ م)	پیوند قدرت با سلطه و مشخص کردن سه نوع سلطه (عقلانی، سنتی و کاریزماتیک)-تمایز قدرت اقتصادی و قدرت سیاسی
برتراند راسل (۱۹۷۰-۱۸۸۲ م)	کمی بودن قدرت-طبقه بندی قدرت بر حسب توجه تاثیرگذاری در افراد و یا برحسب نوع سازمان های دخیل (قدرت سنتی، انقلابی و برهنه: تمایز میان این مفاهیم و همچنین قدرت سازمانی و قدرتی)
تالکوت پارسونز (۱۹۷۹-۱۹۰۲ م)	عدم تمایز قائل شدن بین خشونت و قدرت-تاکید بر قیاس بین قدرت و پول
هانا آرت (۱۹۷۵-۱۹۰۶ م)	تمایز بین قدرت و خشونت-قدرت مبتنی بر ارتباط-تعبیر قدرت به عنوان خلاقیت که به انسان اجازه عمل می دهد
رابرت دال (۱۹۱۵-۲۰۱۴ م)	تاکید بر تصمیم های عینی و رفتار قابل مشاهده در شناسایی قدرت(چهره اول قدرت)-قدرت به منزله کنترل رفتار-رابطه ای بودن و مستلزم تصمیم گیری های کاملاً آگاهانه بودن قدرت-مدل پلورالیستی از قدرت (تعدد و تنوع منابع قدرت سیاسی)
تیکوس پولاتزاس (۱۹۷۹-۱۹۲۶ م)	قدرت طبقاتی-رذیابی مفهوم قدرت در ساختارها-دو نظریه(دولت به منزله عرصه مبارزه طبقاتی-دولت به منزله عرصه سلطه طبقاتی)
یورگن هابرماس (۱۹۲۹ م)	نظریه کنش ارتباطی-تهدید به شمار آمدن روابط قدرت برای شبکه اجتماعی ارتباط و عقلانیت ارتباطی
آنتونی گیدنز (۱۹۲۸ م)	دوگانگی قدرت و ساختار (تعریف قدرت بر اساس نظریه ساختاری شدن)-تعریف قدرت با رجوع به مقوله عاملیت
یوشیرو یچیراچ و مورتنون بارانتز (۱۹۴۱ م)	مطرح نمودن چهره دوم قدرت-تاکید بر مفهوم فقدان تصمیم گیری در تطبیق قدرت-بررسی موانع تصمیم گیری درباره مسائل بالقوه ای که سبب مشهود منافع درباره آن ها وجود دارد
استیون لوکس (۱۹۴۱ م)	مطرح نمودن سه بعد قدرت-دیالکتیک قدرت و ساختار-نظریه پرداز از رزنی، قدرت وابسته به ارزش ها و جهت گیری های ارزشی هر شخص-مطرح کردن بعد سبزه های پنهانی برآمده از منافع واقعی اعضای جامعه

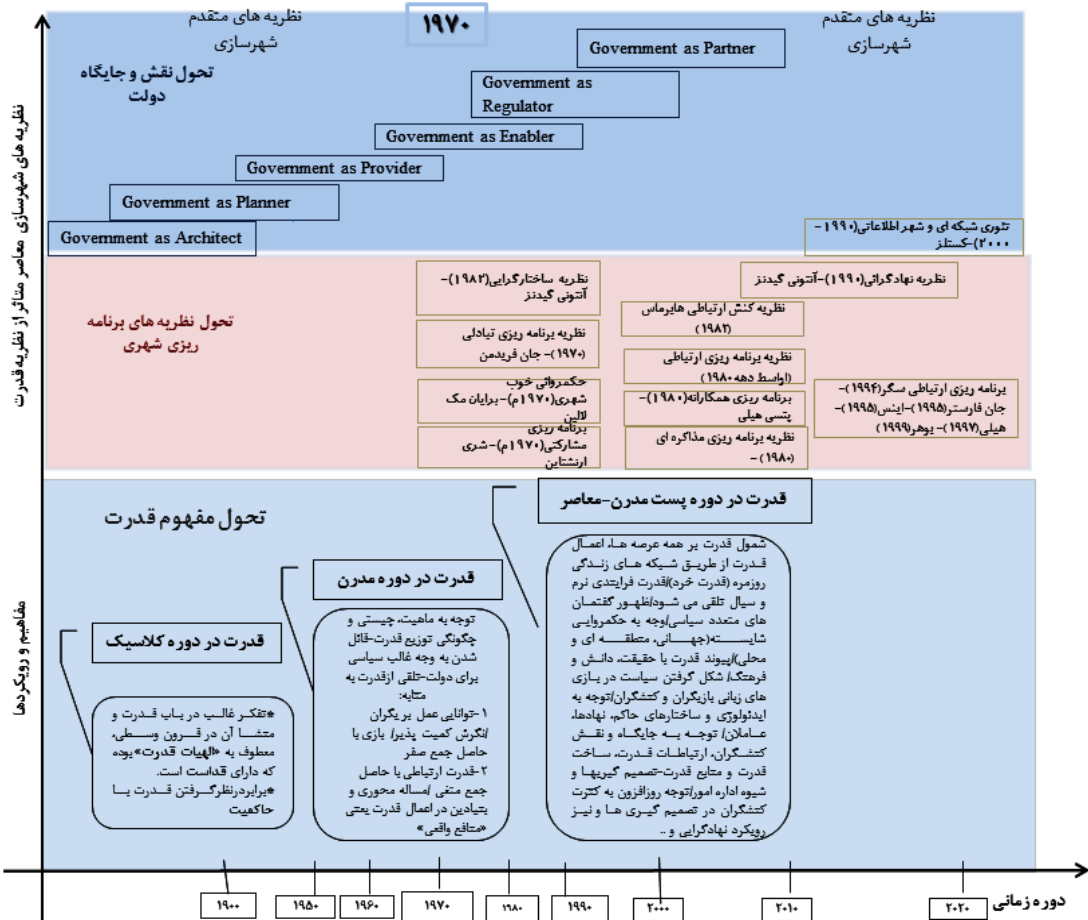
قدرت در دوره کلاسیک

اندیشمندان مطرح	مفاهیم کلیدی مطرح شده قدرت
سن اگوستین (۴۳۰-۴۰۴ م)	قدرت مترادف حاکمیت-مهمترین افکار وی(دولت-رابطه فرد با دولت-شهر خدا و شهر زمینی)
سقراط	قدرت را از جایگاه الهی و حوزه اسطوره ها و خدایان جدا ساخته و به منزله زمینی و انسانی آن می آورد
سنت توماس آکوئیناس	خدایوند تنها خواستار آن است که حکومتی تشکیل شود؛ ولی نوع حکومت به اختیار مردم گذارده شده است

سیر تحول قدرت از دیدگاه اندیشمندان



شکل ۱. تحول مفهوم قدرت (منبع: نگارندگان با بهره گیری از (کلگ، ۱۳۸۲؛ توکلی نیا و شمس بویا، ۱۳۹۵؛ نای، ۱۳۹۲؛ وکیلی، ۱۳۸۹)



شکل ۲. تحول جایگاه قدرت در نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری (منبع: نگارندگان با بهره‌گیری از مقالات و منابع متعدد از جمله کلگ، ۱۳۸۳؛ توکلی نیا و شمس پویا، ۱۳۹۵؛ نای، ۱۳۹۲؛ وکیلی، ۱۳۸۹))

نظریه‌های مربوط به تولید فضا عمدتاً در حوزه‌های شهری متمرکز است (Xiaolin, 2011:2) و شهر هموار متأثر از قدرت و سیاست بوده است. نوشته‌های فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی، هانری لوفور حاوی منابع غنی برای تحقیق در مورد تولید فضا و همچنین تبدیل اشکال سنتی شهروندی سیاسی به مفهوم وسیع‌تر شهروندی شهری است (Butler, 2009:1) بطوریکه محققان بسیاری در سراسر جهان به تحلیل و بررسی و کاربردی نمودن نظرات وی در جوامع و موضوعات خود پرداخته‌اند. از جدیدترین محققان برجسته معاصر در زمینه تولیدفضای شهری می‌توان به باتلر اشاره نمود. پرفسور کریس باتلر مدرس حقوق دانشگاه گرفت استرالیا در مقاله خود تحت عنوان "مطالعات مهم حقوقی و سیاست فضا"، بررسی کرده است که چگونه توضیحات لوفور در مورد نقش دولت به‌عنوان تولیدکننده فضا می‌تواند به طرز قابل توجهی به تجدید رویکردهای مهم رژیم‌های برنامه‌ریزی فضایی و حاکمیت شهری کمک کند و مطرح می‌نماید که لوفور یک نظریه متمایز و پیچیده از فضا را ارائه می‌دهد که توجهات را به ابعاد فیزیکی، نمادین و زنده آن جلب می‌کند. لوفور با اجتناب از اشکال خام ابزارگرایی، روشی را برای ایده پردازی ابزارهای حاکمیت شهرداری به‌طور هم‌زمان به‌عنوان کدگذاری از نمایش‌های غالب فضا، و به‌عنوان مکانیزم‌های فنی برای ثبت کاربردهای غالب در فضا ارائه می‌دهد (Ibid, 2009: 20-21). باتلر در کتاب جدید خود با عنوان "هانری لوفور: سیاست فضا، زندگی روزمره و حق به شهر"، با معرفی لوفور به مخاطبان حقوقی، موضوعات اصلی را در کار او مشخص می‌کند. این عناصر اندیشه لوفور (زندگی روزمره و نظریه تولیدفضا)، از طریق بررسی دقیق روابط بین قانون، شکل حقوقی و فرایندهای انتزاع بررسی می‌شود. ابعاد فضایی تنظیمات نئولیبرالی قدرت دولت؛ جنبه‌های سیاسی و زیبایی‌شناختی نظم اداری زندگی روزمره؛ و "حق به شهر" به‌عنوان پایه‌ای برای ادعای اشکال جدید شهروندی فضایی (Butler, 2014:1). همچنین باتلر در رساله دکترای خود (Butler, 2004)، از طریق تجزیه و تحلیل نوشته‌های لوفور، یک رویکرد روش‌شناختی ضد تقلیل‌گرایی به فضا و تولید اجتماعی آن را مشخص می‌کند. این

برای ایجاد چارچوبی نظری برای مطالعه ابعاد فضایی قانون استفاده می‌شود. گفته می‌شود درحالی‌که قانون از طریق سیستم برنامه‌ریزی نقش مهمی به‌عنوان تولیدکننده فضا بازی می‌کند، فرایندهای تولید فضایی نیز به شکل‌گیری و ساختار نهادهای دولتی می‌پردازند. این مقاله چنین بیان می‌کند که تناقض فضایی بین ارزش استفاده و مبادله متصل به فضا، ارتدوکسی هنجاری را در حقوق عمومی که به ارزش‌های مشارکت و پاسخگویی متکی است به چالش می‌کشد (Ibid: 256-562).

بیشتر ادبیات مربوط به فضای شهری تا دو دهه اخیر روی مطالب اساسی مانند استفاده، دسترسی و ویژگی‌های فیزیکی متمرکز بوده است و در مورد ابعاد رویه‌ای نحوه شکل‌گیری و مدیریت این فضاها کار کمی انجام شده است. یک دلیل ممکن است این باشد در گذشته مرز بین قلمروهای عمومی و خصوصی به گونه‌ای تعریف می‌شد که تأمین و مدیریت فضای عمومی عمدتاً به عهده نهادهای عمومی مانند شوراهای شهر یا دولت‌ها بود (Madanipour, 2003). مطالعات در مورد فضاها شهری، تمرکز بر ابعاد اساسی فضاها عمومی مانند نظریه‌های هنجاری فضاها عمومی خوب دارد (Carmona, 2014; Inam, 2002; Zamanifard, Alizadeh, Coiacetto, & Sipe, 2016). به‌طور گسترده تحت عنوان مدیریت فضای عمومی مورد بحث قرار می‌گیرد (Zamanifard, 2018:159). مطالعاتی در زمینه تنظیم فضاها عمومی به‌ویژه در ایالات متحده و انگلیس وجود دارد که نشان می‌دهد فضاها عمومی همیشه بسیار تنظیم شده‌اند و هرگز برای همه افراد جامعه باز نبوده است (Hajer & Reijndorp, 2001; Mitchell & Staeheli, 2009) عمومی بودن فضاها عمومی رمانتیک یا ایده آل شده است (Amin, 2008; Francis, 1989) در حقیقت، این حالت طرد شدن (مستثنی شدن افراد) و حق داشتن بر فضا در فضاها عمومی است که با گذشت زمان تغییر می‌کند، درحالی‌که اکثر مردم متوجه این موضوع نخواهند شد یا به‌سادگی به آن‌ها اهمیتی نمی‌دهند. ورپل و ناکس در تحقیقات گسترده خود در مورد انواع مختلف فضاها عمومی در انگلستان استدلال می‌کنند که مردم با کم‌توجهی به رژیم‌های مالکیت یا مدیریت موجود، از فضاها عمومی خصوصی مانند میدان‌های شهری مدرن و مراکز تجاری استفاده می‌کنند (Worpole & Knox, 2008:4). به نقل از (Zamanifard, 2018:155-157). همچنین از جدیدترین پژوهش‌ها در حوزه بازتولید فضاها شهری می‌توان به پژوهش بررسی مسئله دولت در زمینه تغییرات شهری با تحلیل تولید فضاها کمر بندسبز شهری (Zhao, 2017) و پژوهش بررسی فرایندهای بازسازی فضایی گردشگری و اقتصاد میراث فرهنگی با رویکرد شبکه‌ای (Wang & Xiao, 2020) اشاره کرد که ادبیات اخیر نشان می‌دهد که زمین شهری معمولاً به‌دلیل درگیری مستقیم دولت دارای تنش است زیرا در فرایندهای برنامه‌ریزی استثنائی شرکت می‌کند و بنابراین بر نتایج برنامه‌ریزی تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، سیستم کنونی تصرف زمین مشکلات جدی در مورد تخصیص زمین و حقوق استفاده از زمین در شهرهای مختلف جهان ایجاد کرده است (Blomley, 2004; Omolo-Okalebo et al., 2010; Ngabirano, 2018). (Bidandi & Williams, 2020: 2).

در سیر تحول تاریخی مباحث و تجارب و پژوهش‌های حوزه قدرت و تولید فضا، مشارکت شهروندان مطرح شده و جایگاه ویژه‌ای یافته است (شکل ۳) به‌عبارت شفاف‌تر، مشارکت شهروندان به‌مثابه قدرت شهروندی در تولید فضا در حال دگرپسویی و تکامل است. (Arnstein, 2007)، (Gregson & Crewe, 1997; Brown & Jennings, 2003)، (Lefebvre & Enders, 1976; Mitchell, 2003; Sorkin, 1992)، (Kohn, 2004; Goldstein & Elliott, 1994). محمدرزاده و همکاران در پژوهشی با عنوان تصویرپردازی از مشارکت شهروندی باهدف بهبود حکمروایی شهری (مورد مطالعه: شهر تهران)، دو اقدام قانونی مورد نیاز شهرداری تهران برای توسعه مشارکت شهروندی در تولید فضا پیشنهاد داده‌اند که شامل حل مشکلات قانونی مشارکت شهروندی (تدوین قوانین در سطح ملی و محلی) و طراحی نظامنامه مشارکت شهروندی (راهبردها، فراگردها، دستورالعمل‌ها، ابزارها) است (محمدرزاده و همکاران، ۱۳۹۹:۱۳۲). سیمونوفسکی و همکاران از جمله راهکارها برای افزایش مشارکت شهروندان را توسعه شهر هوشمند مطرح کرده‌اند البته با تأکید بر این نکته که باید ارزش‌ها و ویژگی‌های شهر نظیر اندازه و چالش‌ها و منابع شهری نیز مورد توجه قرار گیرد (Simonofski et al., 2019: 2) مشارکت الکترونیکی، به‌مثابه ابزاری برای پیوند دادن کاربران (شهروندان و...) با خطمشی‌گذاران در نظر گرفته می‌شود. این ابزار راه‌هایی را برای ارائه سهم بیشتر به ذینفعان در فراگرد شکل‌گیری خطمشی<sup>۱</sup> دربردارد (Alathur et al., 2016: 25-26). این نوع از مشارکت، در عصر فناوری به‌منزله ابزاری است که پیشنهادها و عقاید شهروندان از طریق آن، به‌منزله ورودی نظام تصمیم‌گیری خطمشی‌گذاران در نظر گرفته



می‌شود. لذا دولت‌ها برای افزایش این ورودی‌ها، موظف به گسترش زمینه مشارکت شهروندان، از طریق فناوری‌های تخت وب بوده (Siyam et al., 2019:1) و می‌توانند زمینه دموکراسی الکترونیک را تقویت کنند. شن و همکاران در پژوهشی در راستای بازتولید فضاها در شهر در قالب بازآفرینی شهری و اینکه فقدان حکمرانی شهری مؤثر و نظام بسیج اجتماعی منجر به شکست‌های حکمرانی در فرآیند بازآفرینی می‌شود، به صورت نظری و عملی یک چارچوب تحلیلی به نام مدل موتور بازسازی شهری (UREM) پیشنهاد داده‌اند که این موتور دوگانه باعث افزایش سرمایه اجتماعی در فرآیند بازآفرینی می‌شود و مشارکت دولت، شرکت‌ها، ساکنان، سازمان‌های اجتماعی و مؤسسات مالی را ترویج می‌دهد (Shen et al., 2021:1).



شکل ۳. جایگاه مشارکت شهروندان در سیر تحول تاریخی مباحث و تجارب قدرت و تولید فضا

فضاهای شهری عضو جدایی‌ناپذیری شهرها و خصوصاً کلان‌شهرها هستند که مأمونی جهت حضور و فعالیت شهروندان بوده و با توجه به اقتضات زندگی مدرن، امروزه وجود آن‌ها یکی از عوامل اصلی کیفیت محیط زندگی به شمار می‌رود (حسینی پور و همکاران، ۱۴۰۲). برای روایت قصه‌های شهر، می‌توان فضای شهر را همچون متنی در نظر گرفت که خوانش قصه‌ها را میسر می‌کند. به بیانی دیگر، شهر را می‌توان کتابی انگاشت که جای‌جای آن، یادآور قصه‌های مردمانش در گذر زمان است (شاهین راد و همکاران، ۱۳۹۸:۱۲۵). چنانچه ویکتور هوگو شهر و معماری را نوشتاری می‌داند که ایده‌ها و افکار جوامع را در صفحات کتابی بزرگ ثبت کرده است. رولان بارت در امپراطوری نشانه‌ها به صراحت می‌گوید که شهر یک متن است. لینچ و کریستوفر الکساندر نیز در بیان علمی و تجربی خود از شهر، مفهوم متن را به واقعیت شهر تعمیم داده‌اند. آنچه در مقایسه یک کتاب با شهر برای روایت ارزش‌ها و تاریخ جامعه قابل توجه است، این است که یک کتاب ممکن است فراموش شود یا نادیده انگاشته شود. ولی محیط شهری که محل زندگی روزمره است و عناصر آن تا زمانی که پابرجا هستند می‌توانند هر روزه برخی نکات مهم را به افراد یادآوری کنند. بنابراین شهر و فضاهایش می‌توانند هیجان‌انگیزتر از هر کتاب تاریخی‌ای، اطلاعات شهر و جامعه را به نسلها و فرهنگ‌های دیگر منتقل کنند. همچنین در دسترس عموم بودن و منحصر نبودن این اطلاعات به افراد محدود، ارزش‌ها و تاریخ گذشته را حفظ و خاطره و حافظه شهر را تقویت می‌کند. جیبی نیز شهر را به قصه تشبیه می‌کند بدین سبب که هر دو نتیجه بازتولید آرمان‌ها و بینش مردمی هستند که ریشه در گذشته دارند، در حال زندگی می‌کنند و به آینده می‌نگرند (جیبی، ۱۳۹۱: ۱). در این شرایط، محیط فیزیکی همچون رسانه‌ای عمل می‌کند که قصه‌های یک فرهنگ خاص را به نمایش می‌گذارد. همچنان که نقاشی، موسیقی و رقص متفاوت از داستان‌های مکتوب هستند، طراحی شهری و فضاهای شهر نیز به روش خود می‌تواند روایت‌ها و قصه‌های جامعه را بیان کند (Childs, 2008:173). از این رو، شهروندان همیشه در حال خوانش متونی هستند که خود به‌عنوان جزئی از آن و به‌عنوان کنشگری فعال در آن حضور دارند؛ آن‌ها رابطه خود با محیط و فضاهای پیرامونشان را بر اساس تفسیرها و معانی‌ای که از این متون دریافت می‌کنند، تنظیم می‌کنند (داورپناه، ۱۳۹۱: ۳) آنچه در کلیت متن شهر اهمیت می‌یابد توجه به نقش هریک از لایه‌ها و ارزش‌های موردنظر آن‌ها و کنش متقابل لایه‌ها در جهت تقویت یا تخریب یکدیگر و همسویی یا تعارض ارزش‌های آن‌ها با یکدیگر است. برای خوانش کلیت متن مکان باید لایه‌های متنی مختلف شامل لایه‌های فعالیت‌ها، کالبد و تصورات یکدیگر را تقویت کرده و ارزش‌هایی همسو را دلالت کنند. از این رو توجه به بسترسازی حضور فعال در مشارکت و نوع

مشارکت افشار مختلف شهروندان برای حفظ و تقویت ارزش‌های نسل موجود و ایجاد زیست پایدار توأم با آرامش و رضایت و رفاه در هر برهه زمانی و مکانی بسیار ضروری و حائز اهمیت فراوان است.

طی سالیان متمادی، سبک و سیاق فرآیندهای برنامه‌ریزی فضایی تکامل یافته است. راندولف اظهار می‌دارد که: "مشارکت عمومی در ۱۹۷۰ رشد پیدا کرد، در ۱۹۸۰ بر برقراری ارتباطات تأکید گردید و از ۱۹۹۰ رویکردهای مشارکتی‌تر شامل همفکری سهامداران و ذینفعان با یکدیگر دیده شد" (Randolf, 2004:16) به نقل از شیعه و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۹). امروز مشارکت عمومی به شکل گسترده‌ای به‌عنوان الگوواره<sup>۱</sup> ای در حمایت از برنامه‌ریزی فضایی و همچنین برنامه‌ریزی شهری پایدار پذیرفته شده است. با توجه به شرایط خاص موجود در شهرها، برنامه‌ریزی شهری، بیش از دیگر شاخه‌های برنامه‌ریزی، بر همکاری میان گروه‌های مختلف شامل مسئولان، برنامه‌ریزان و عموم مردم تکیه دارد (Jiang et al., 2003:181). توجه به خواسته‌های چندوجهی و گاهاً متضاد از جانب جمعیت رو به رشد و متنوع شهرها موجب آگاهی یافتن از درگیری‌های موجود و اتخاذ تصمیماتی آگاهانه و راسخ می‌شود (Hennig & Volger, 2013:358) همچنین در عمل، ثابت شده است که شمول شهروندان در تمام امور و مراحل مرتبط با فرآیندهای برنامه‌ریزی شهری به‌گونه‌ای که طی آن فرایند، شهروندان مجاز به همکاری، اظهارنظر، بهبود و سنجش اطلاعات باشند منافع ویژه‌ای را در پی دارد (Renn et al., 1993). نکته حائز اهمیت در بحث مشارکت شهروندان تولید فضای شهری، عدم ثابت و همسان بودن نوع مشارکت در جوامع مختلف است. پلکان مشارکت می‌تواند بر سطوح مختلف زیر استقرار یابد: ۱. آگاهی؛ ۲. مشاوره؛ ۳. شمول؛ ۴. همکاری؛ ۵. توانمندسازی (IAP2, 2007).

در عصر ارتباطات شکل روابط انسانی تغییر کرده است و ارتباطات از فضاهای جمعی و حضوری به فضاهای مجازی انتقال پیدا کرده‌اند، توان جدیدی ایجاد شده که می‌تواند گروه‌های مختلف شهروندان را به مشارکت دعوت نماید. لذا رویکردهای جدیدی حول این موضوع شکل گرفته‌اند که رویکرد "شهروندی فضایی" از جمله این رویکردهاست (قریشی و همکاران، ۱۳۹۵). شهروندی فضایی بستر مشارکت شهروندی را تسهیل نموده و با تحقق حق به شهر، منجر به ارتقای زیست پذیری شهر خواهد شد (فارابی اصل و همکاران، ۱۳۹۶: ۲). شهروندی فضایی، تعاملات فعال را در فرآیندهای تصمیم‌گیری فضایی به‌واسطه بهره‌برداری و تولید واکنشی جغرافیای رسانه‌ای ترویج می‌کند (Gryl & Jekel, 2012: 8). این مفهوم به‌منظور ارائه چهارچوبی برای تعامل شهروندان در فرآیندهای بهره‌برداری واکنشی از جغرافیای رسانه‌ای و مشارکت آزاد در فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکتی مختلف است (Pokraka, 2016: 263). یک شهروند فضایی قادر است میان سه فضایی که در آن زندگی می‌کند، فضاهای بازنمایی شده در قالب عکس، فیلم و غیره و بازنمایی‌های فضایی که به شکل نقطه، خط و پلیگون در محیط GIS تعریف می‌شود، ارتباط برقرار کند و براین اساس تصمیم‌گیری نماید (SPACIT, 2014).

شهروندی فضایی از بسیاری جهات می‌تواند از شهروندی سنتی متمایز شود. شهروندی فضایی وضعیت‌های نهادی و محلی چندگانه را ارج می‌نهد. این یک گسست پیوند از شهروندی ملی سنتی است به‌نحوی که با ملت یا دولت محلی به‌عنوان نهادهای فضایی از پیش تعریف شده ارتباط ندارد. شهروندی فضایی بر مبنای حقوق بشر و مذاکره دموکراتیک برای اطمینان از مانی مصالحه و سازش قرار گرفته است. این موضوع مبتنی بر مفهوم شهروندی کنش‌گرا<sup>۲</sup> در مقابل شهروندی فعال<sup>۳</sup> است که بر اساس فرمول میچل و الوود<sup>۴</sup> (۲۰۱۲): "فردی است که قواعد اجتماعی بلامنزاعی که مشارکت را محدود می‌سازند به چالش بکشد". یک شهروند فضایی، یک "شهروند عملگرا"<sup>۵</sup> است که در تقابل با مفهوم قدیمی "شهروند فرمانبردار"<sup>۶</sup> قادر است از وب و برنامه‌های کاربردی مبتنی بر ابر<sup>۷</sup> برای مقایسه منابع اطلاعاتی مختلف و متناقض پنهانی استفاده کند و ایده‌های جایگزین خود را از طریق ابزارهای وب خبرسان<sup>۸</sup> اشتراک‌گذارد (Gryl & Jekel, 2012: 4). از ابتدای طرح موضوع مشارکت عمومی در فرآیندهای برنامه‌ریزی فضایی، هیچ زمانی بیش از امروز، بسترهای لازم برای این مقصود فراهم نبوده است. رویکرد شهروندی فضایی، مبانی نظری را در حوزه شهرسازی مشارکتی گسترش می‌دهد و بر نظرخواهی بی‌واسطه و مداوم از

1. Paradigm
2. Activist Citizenship
3. Active Citizenship
4. Katharyne Mitchell & Sarah Elwood
4. Actualized Citizen (AC)
5. Dutiful Citizen (DC)
6. Cloud-based Application
7. Collaborative Web Tools

شهروندان در فرآیندهای برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات تکیه دارد. شهروندان فضایی کاربران غیرمتمنخصصی هستند که قادرند دیدگاه‌های موجود پیرامون اقدام در فضا (به‌عنوان مثال، قوانین اجتماعی، برنامه‌ریزی فضایی) را مورد پرسش قرار دهند و برای تولید، ارتباط و چشم‌اندازهای فضایی جایگزین مذاکره کنند (شیعه و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۲).

در سال‌های اخیر، استفاده فیزیکی و فرهنگی از فضا به‌عنوان عنصر اساسی در سیاست‌های رادیکال به‌طور گسترده‌ای تصدیق شده است. چالش‌های انفجاری قدرت دولت که شورش‌های مختلفی را در سراسر جهان رقم زد، چالش‌های سرمایه در جنبش‌هایی مانند اشغال و تظاهرات گسترده علیه مشروطه‌خواهی نئولیبرالی ریاضت اقتصادی در یونان<sup>۱</sup>، اسپانیا<sup>۲</sup> و جنبش<sup>۳</sup> در فرانسه، همه نمونه‌های برجسته این پدیده هستند (Douzinas, 2012؛ Guardiola-Rivera, 2012). استفاده از فضای عمومی توسط هر یک از این جنبش‌های "اشغالگر" از نظر مادی و نمادین در چالش‌های آن‌ها در برابر نظم‌های سیاسی و حقوقی موجود نقش مهمی داشته است (Wall, 2012: 228). البته استفاده‌های سیاسی از فضا نیز در ظهور جنبش‌های اجتماعی بی‌شماری ذاتی بوده که فراتر از این موارد اجتماعات عمومی است. یک نمونه کلاسیک استرالیایی، سفارت چادرهای بومی است که در سال ۱۹۷۲ در زمین چمن جلوی مجلس پارلمان قدیم در کانبرا تأسیس شد. این اردوگاه گسترده در زمین در مرکز پایتخت ملی نه تنها به‌عنوان یک خواسته عمومی برای رسمیت شناختن حقوق زمین بومیان عمل کرده است، بلکه به‌خودی‌خود یک ادعای پایان‌یافته "اقتدار یک ملت مستقل برای استفاده از زمین‌های خود است" بدون درخواست اجازه (Iveson, 2014: 253) به نقل از (Butler, 2018: 1). تجارب قرن‌ها زندگی شهری مخصوصاً در دو قرن اخیر نشان می‌دهد که تولید فضای شهری و نوع فضای تولیدشده و همچنین بهره‌برداران و هدف آن در هر جامعه‌ای و در هر برهه‌ای از زمان و مکان به‌شدت به ساختار حاکمیت وابسته است. همان‌طور که کارمونا نیز در مطالعات خود توضیح می‌دهد ساختار حاکمیت تأثیرگذارترین مؤلفه حکمرانی است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر کل چیدمان حاکمیت تأثیر می‌گذارد. قدرت، نحوه توزیع آن، اختیارات و روابط ذینفعان ساختار حاکمیت فضای عمومی را توضیح می‌دهند (Carmona, 2016). در بحث ساختار حاکمیت می‌توان چهار نوع ساختار کلی برای حاکمیت در نظر گرفت که در جوامع مختلف جاری هستند (جدول ۳). حاکمیت سنتی و حاکمیت مدیریتی بیشترین نوع حاکمیت مخصوصاً در جوامع کمتر توسعه‌یافته است و حاکمیت از طریق شبکه‌ها کامل‌ترین و بهترین نوع ساختار حاکمیت است که سود جمعی و بالاترین رضایت‌مندی از زندگی را برای شهروندان در پی دارد.

### جدول ۳. ساختار حاکمیت

نوع حاکمیت	ساختار حاکمیت
حاکمیت سنتی	قدرت به‌طور کامل در بخش دولتی متمرکز شده است
حاکمیت مدیریتی	مسئولیت‌های مداخله و کنترل نهادینه‌شده و به سازمان‌های مدیریتی مانند سازمان‌های سراسری دولت یا نهادهای نیمه‌خصوصی تأسیس‌شده توسط دولت واگذار می‌شود
حاکمیت مبتنی بر بازار	خدمات عمومی به‌عنوان کالاهای قابل تجارت فرض می‌شوند؛ بخش دولتی بخش خصوصی را قادر می‌سازد خدمات عمومی را ارائه و مدیریت کند و رقابت بین ارائه‌دهندگان خدمات تشویق می‌شود (Adams & Tiesdell, 2013)
حاکمیت از طریق شبکه‌ها	طیف وسیعی از ذینفعان از بخش‌های دولتی و خصوصی و اعضای جامعه برای ارائه خدمات عمومی باکیفیت همکاری می‌کنند. ذینفعان روابط خود را بر اساس اعتماد، همکاری داوطلبانه و خودسازمان‌دهی ایجاد می‌کنند (Adams & Tiesdell, 2013; Rhodes, 1997) هیچ قدرت مسلطی وجود ندارد و قدرت بین ذینفعان توزیع می‌شود؛ تصمیم‌گیری جمعی است؛ دولت جوامع محلی، شهروندان و مشاغل را قادر می‌سازد تا در فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشند و اختیارات در میان ذینفعان تفکیک شده است.

این پژوهش به دنبال شناسایی کنشگران تولید فضا و تحلیل و سنجش روابط قدرت بین آن‌ها و ارائه راهکار برای حل معادله توزیع قدرت کنشگران و به عبارتی تعادل سازی در سهم‌های قدرت کنشگران است. از جمله نوآوری‌های این پژوهش: ۱- استفاده از دو نرم‌افزار میک مک و یوسینت برای شناسایی و تحلیل قدرت کنشگران تولید فضای شهری در یک نمونه مطالعاتی. ۲- در حوزه توسعه دانش موجود در حوزه برنامه‌ریزی شهری، در راستای بهینه‌تر و شهروندمدارتر شدن تولید فضاهای شهری، با بهره‌گیری از جدیدترین اندیشه‌های اندیشمندان حوزه برنامه‌ریزی شهری و قدرت، پیشنهاد مدل "دولت-فضا-مردم" و تشکیل "نهاد عمومی فضاداران شهری" (اجرایی-عملیاتی) و ارائه نظریه PIUS است.

1. Aganaktismenoi
2. Indignados
3. debit debout

## روش پژوهش

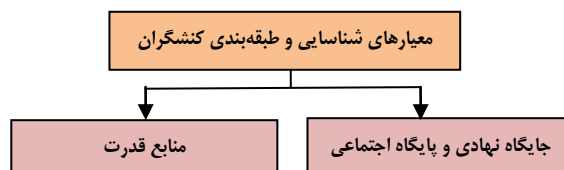
مواد و مصالح تجربی می‌تواند الهام‌بخش ایده‌ها و نظریه‌ها باشد و به آن‌ها اعتبار ببخشد و به عبارتی نظریه‌سازی برگرفته از تجربه، اقدامی است که این پژوهش در جستجوی رسیدن به آن بوده است. همان‌طور که جین هیلیر (۱۳۸۸) نیز در کتاب سایه‌های قدرت، بر این موضوع تأکید داشته و می‌گوید من معتقد به نظریه‌سازی در پیوند با عمل هستم نظریه‌ای که هم بنیادش بر عمل باشد و هم به درک عمل و تبیین آن کمک کند (هیلیر، ۱۳۸۸: ۲۶). همچنین پتسی هیلی در انتهای پژوهش و نظریه‌پردازی‌های منطبق بر عمل و واقعیت (در برنامه‌ریزی همکارانه و تأکید بر حاکمیت و ارائه فرایند ۴ گانه خود) اظهار امیدواری می‌کند که پژوهشگران سایر نقط جهان نیز در ادامه همین روند به بررسی تولید فضاها و نظریه‌پردازی بومی خود بپردازند. (رک هیلی، ۱۹۹۷؛ هیلی، ۲۰۰۳؛ هیلی، ۱۳۹۷) به عبارتی توسعه دانش عملیاتی اجرایی بومی مورد نیاز مطالعات شهری امروز و مورد تأکید این نظریه‌پردازان صاحب‌نظر برنامه‌ریزی شهری بوده است. که پژوهش حاضر در این راستا گام برداشته است. شایان‌ذکر است پژوهش حاضر از لحاظ زمانی در زمان سه سال (۱۳۹۶-۱۳۹۹) انجام شده است. در این پژوهش، فضای شهری منحصربه‌فرد و بسیار بارش اراضی عباس‌آباد تهران به‌عنوان نمونه مطالعاتی، مورد بررسی قرار گرفته است. بدین ترتیب که در گام اول، کنشگران تولید و بازتولید این فضای شهری شناسایی شده است. برای شناسایی کنشگران از مصاحبه نیمه ساخت‌یافته با روش نمونه‌گیری گلوله برفی برای دستیابی به خبرگان جامعه هدف پژوهش استفاده شده است. همچنین از بازدید و مشاهدات مکرر میدانی و بررسی اسنادی جهت تکمیل و تدقیق بهره گرفته شده است. شایان‌ذکر است در گام دوم روابط قدرت بین این کنشگران از طریق روش تحلیل جریان با بهره‌گیری از نرم‌افزار یوسینت (UCINET) مورد بررسی قرار گرفته و در گام سوم میزان قدرت کنشگران از طریق روش تحلیل اثرات متقابل با بهره‌گیری از نرم‌افزار میک مک (MICMAC)، سنجش و تحلیل شده است. در روش تحلیل جریان با استفاده از نرم‌افزار Ucinet، ماتریس ارتباط بین کنشگران شناسایی شده در مرحله قبل که شامل ۴۰ کنشگر بودند در قالب یک ماتریس ۴۰ در ۴۰، توسط مصاحبه‌شوندگان امتیازدهی گردید که جدول (۴) نحوه این امتیازدهی در این روش را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نحوه امتیازگذاری ماتریس ارتباط بین کنشگران در تحلیل شبکه در نرم‌افزار Ucinet

نوع ارتباط	عددگذاری
خنثی (بدون ارتباط و همکاری و تعارض)	۰
همکاری با اثرگذاری ضعیف	۱
اثرگذاری متوسط	۲
اثرگذاری قوی	۳
اثرگذاری خیلی قوی	۴
تعارض‌ها و اثرگذاری منفی	-۱ الی -۴

جدول ۵. ماتریس ارزیابی روابط کنشگران در تحلیل شبکه در نرم‌افزار Ucinet

کنشگران	کنشگر ۱	کنشگر ۲	کنشگر ۳	کنشگر ۴	کنشگر ۵	کنشگر ۶	کنشگر ۷
کنشگر ۱							
کنشگر ۲							
کنشگر ۳							
کنشگر ۴							
کنشگر ۵							
کنشگر ۶							
کنشگر ۷							



شکل ۴. معیارهای شناسایی و طبقه‌بندی کنشگران در تولید فضای شهری اراضی عباس‌آباد

برای سنجش میزان قدرت کنشگران در روش تحلیل تأثیرات متقابل یا متقاطع، مصاحبه‌شوندگان، ماتریس کنشگران شناسایی شده را به فرمت جدول زیر، امتیازدهی نمودند و این ماتریس وارد نرم‌افزار میک مک گردید.

جدول ۶. نحوه امتیاز گذاری ماتریس اثرگذاری و میزان قدرت کنشگران در تحلیل شبکه در ماتریس تأثیرات متقاطع

نوع اثر	عددگذاری
بدون تاثیر	۰
اثرگذاری ضعیف	۱
اثرگذاری متوسط	۲
اثرگذاری زیاد	۳

جدول ۷. ماتریس اثرگذاری و قدرت کنشگران در روش تحلیل تأثیرات متقابل یا متقاطع

کنشگران	کنشگر ۱	کنشگر ۲	کنشگر ۳	کنشگر ۴	کنشگر ۵	کنشگر ۶	کنشگر ۷
کنشگر ۱							
کنشگر ۲							
کنشگر ۳							
کنشگر ۴							
کنشگر ۵							
کنشگر ۶							
کنشگر ۷							

در این پژوهش، برای روایی (اعتبار) پژوهش، پیرو آنچه کرسول (۱۳۹۸) در کتاب طرح پژوهش (رویکردهای کمی کیفی و ترکیبی) اش، برای نیل به اعتبار یا روایی پژوهش کیفی، پیشنهاد می‌کند از دو راهبرد بهره گرفته شده است: ۱. دریافت نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش درباره اعتبار یافته‌ها و تفسیرها. نتایج و یافته‌های پژوهش به‌منظور صحت‌سنجی، در اختیار تعدادی از کارشناسان و مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت و از آن‌ها نظرخواهی گردید. ۲. درگیری طولانی‌مدت پژوهشگر با فضای پژوهشی و مشاهدات مداوم او در محیط پژوهش از جمله اعتمادسازی با افراد موضوع پژوهش و مشاهدات میدانی باعث آشنایی پژوهشگر با فضا و افراد شده و تا حد امکان از کج‌فهمی‌های احتمالی کاست. همان‌طور که هلمس و همکاران (۲۰۱۰) مطرح نموده‌اند، روایی و پایایی پرسشنامه‌های تحلیل شبکه‌ای با بررسی اعتبار ساختاری این پرسشنامه‌ها صورت می‌گیرد. در این شیوه، باید جمع‌آوری شواهد بر مبنای منابع چندگانه انجام گیرد. برای تحقق این منظور، می‌توان از چند نوع ابزار مانند پرسشنامه، مصاحبه یا مشاهده استفاده کرد؛ به‌عنوان نمونه، می‌توان نتایج تحقیق را با پاسخگویان در میان گذاشت و از این طریق، درباره صحت و سقم ابزار قضاوت کرد. در این پژوهش بعد از تحلیل توسط نرم‌افزار و ترسیم روابط موجود، نهایتاً نتایج نیز به‌منظور صحت‌سنجی در اختیار تعدادی از کارشناسان قرار گرفت و تدقیق گردید.

## قلمرو جغرافیایی پژوهش

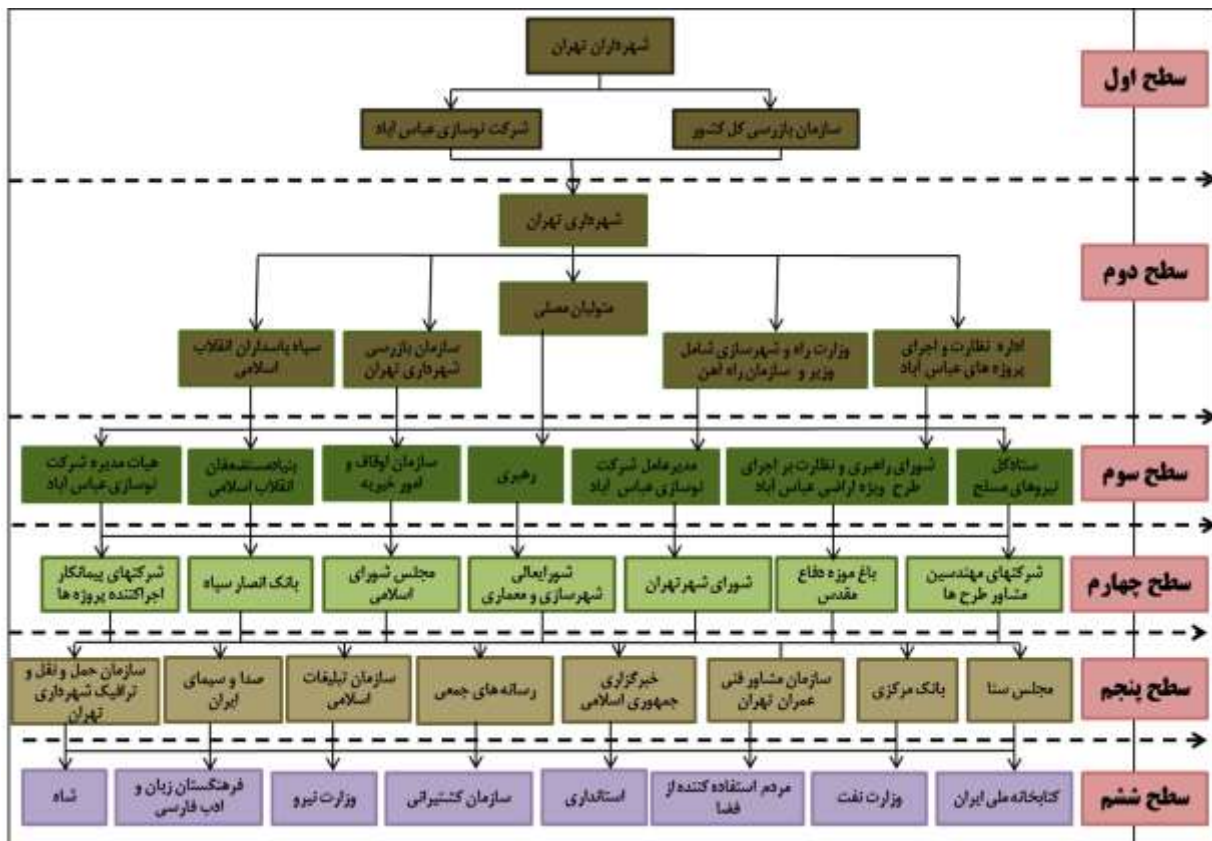
فضای شهری منحصربه‌فرد و بسیار باارزش اراضی عباس‌آباد تهران، فضایی است که علاوه بر شهروندان کلان‌شهر تهران، یک ثروت ملی برای همه مردم ایران نیز محسوب می‌شود. اراضی عباس‌آباد به وسعت ۵۵۴ هکتار که از شمال به خیابان میرداماد، از شرق به بلوار حقانی و خیابان آهنچی، از جنوب به خیابان عباس‌آباد و از غرب به خیابان آفریقا محدود است، بین ناحیه مرکزی شهر تهران و شمیرانات قرار دارد که طبق قانون مصوب مجلس، مدیریت آن در اختیار شرکت نوسازی اراضی عباس‌آباد است که برای همین منظور تأسیس شده و دارای بودجه بوده و سهام آن متعلق به شهرداری تهران است.



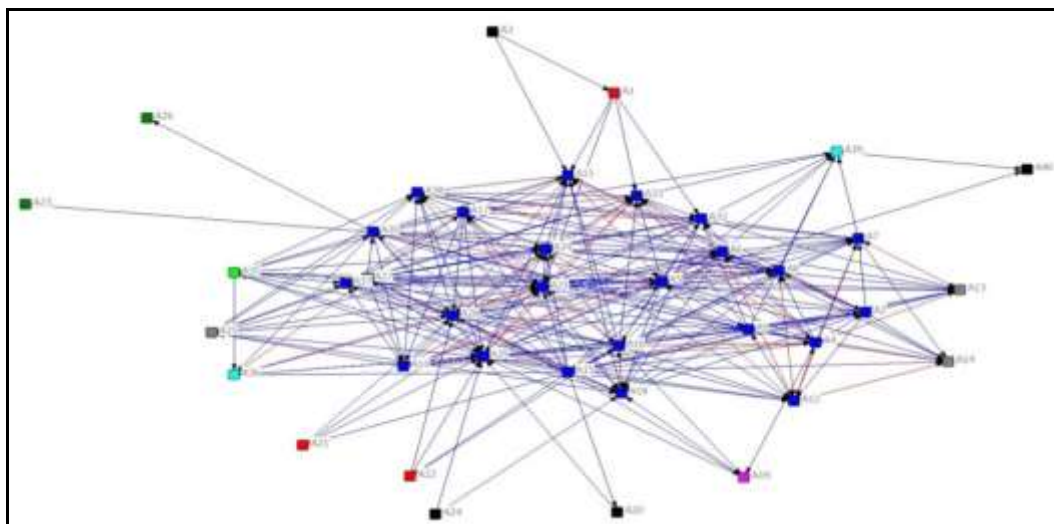
شکل ۵. نقشه مالکین یا معارضین ارضی عباس آباد (نهادهای دولتی و حکومتی) (فارابی اصل و همکاران، ۱۴۰۰)

## یافته‌ها و بحث

با بررسی میدانی و انجام تحلیل‌های مورد نظر، خروجی‌های محتوایی استخراج گردید که در قالب نمودارها و جداول در ادامه ارائه شده است.



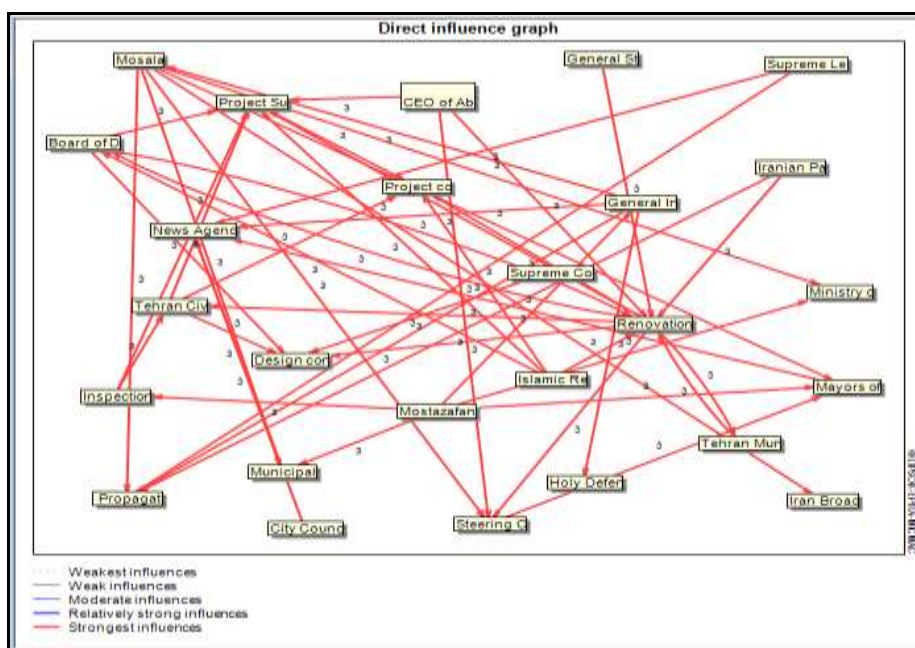
شکل ۶. نحوه ارتباطات کلی کنشگران تولید فضا عباس آباد ( خروجی جریان قدرت تولید فضا با نرم افزار Ucinet )



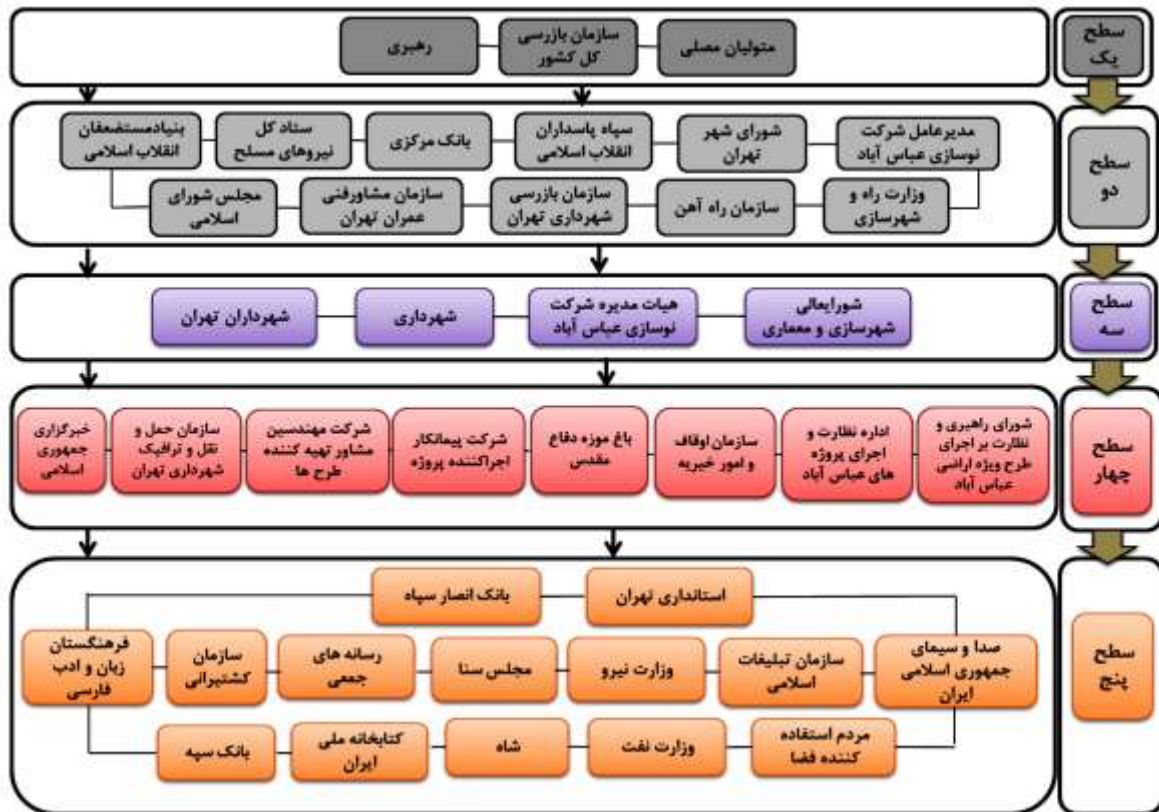
شکل ۷. خروجی تحلیل جریان فضا در میان کنشگران اراضی عباس‌آباد (Ucinet)

جدول ۸. مشخصات اولیه ماتریس اثرات (MDI) در نرم‌افزار MicMac

شاخص	اندازه ماتریس	تعداد امتیاز صفر	تعداد امتیاز یک	تعداد امتیاز دو	تعداد امتیاز سه	مجموع تعداد امتیازات	میزان پرشدگی ماتریس	میزان پایداری سیستم	ارزش
	۴۰	۱۱۰.۸	۲۳۰	۱۱۶	۱۴۶	۴۹۲	٪۳۰	۹۷ درصد	



شکل ۸. نحوه مهم‌ترین ارتباطات مستقیم کنشگران تولید فضا در اراضی عباس‌آباد (خروجی نرم‌افزار MICMAC)



شکل ۹. نحوه ارتباطات سلسله مراتبی کنشگران تولید فضا عباس آباد (تحلیل تأثیر متقاطع در نرم افزار MicMac)

با توجه به خروجی های نرم افزارهای تحلیلی یوسینت و میک مک که از مصاحبه های نیمه ساخت یافته با کنشگران و خبرگان موضوع و شهروندان کاربر فضا حاصل گردید، شهروندان در پایین ترین سطح تأثیرگذاری قرار دارند. این یافته نشان می دهد که مردم یا به عبارتی شهروندان، نقش و تأثیرگذاری در هیچ یک از مراحل تهیه و تصویب و اجرای طرح نداشتند و بین کنشگران تولید و بازتولید فضای شهری اراضی عباس آباد چه از لحاظ حضور و ارتباط و همکاری با سایر کنشگران (خروجی تحلیل شبکه جریان با نرم افزار یوسینت) و چه از لحاظ تأثیرگذاری و قدرت داشتن (خروجی تحلیل اثرات متقابل برنوشته ام افزار میک مک)، دارای جایگاهی نمی باشند. در تولید فضای اراضی عباس آباد، هیچ مکانیسمی برای درگیری شهروندان وجود نداشته است. فضاهای مختلف آن و همچنین کاربری ها و فعالیت های موجود، توسط مدیریت شهری و دولت به عنوان کالاهای مصرفی تولید و مصرف شده اند. ساکنان درگیر هیچ فرآیند تصمیم گیری نبوده و نیستند. عدم حضور و نقش و جایگاه شهروندان و کاربران فضا در دهه های اخیر در فرایند تولید و بازتولید فضای این اراضی، نتیجه فقدان مکانیسم های مربوط به مشارکت در این محدوده و به طور کلی در ساختار نظام برنامه ریزی و ساختار حاکمیت و مدیریت ایران می باشد. روابط قدرت بین کنشگران در عباس آباد به هیچ وجه معطوف به شهروندان نیست. از این رو اگر در مدیریت اراضی عباس آباد، اصلاح ساختار کلی حاصل گردد و مدیریت یکپارچه تحقق یابد این امر تأثیرگذار در حرکت به سمت تولید فضاهای معطوف به شهروندان خواهد بود. در کنار اصلاح ساختار مدیریت شهری، ایجاد یک دگردیسی و کوچک سازی در بدنه دولت متمرکز نیز در موازنه قدرت<sup>۱</sup> و به تعادل نسبی رسیدن سهم های قدرت<sup>۲</sup> بین کنشگران تولید فضای شهری بسیار مؤثر خواهد بود. قرار گرفتن حق بر شهر در چهارچوب حقوق بشر به جای حقوق مدنی به این معناست که هر انسانی، صرف نظر از ملیت، قومیت و ویژگی های فرهنگی، تنها به دلیل انسان بودن شایسته بهره مندی از این حق است. لذا تعلق یافتن شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری حقی است مطالبه کردنی که هر شهروند در غایت شهرنشینی باید به آن دست یابد. تحقق حق بر شهر با اینکه بر اساس ادبیات موجود جهانی بر عهده خود

1. Power balance  
2. Power ratio



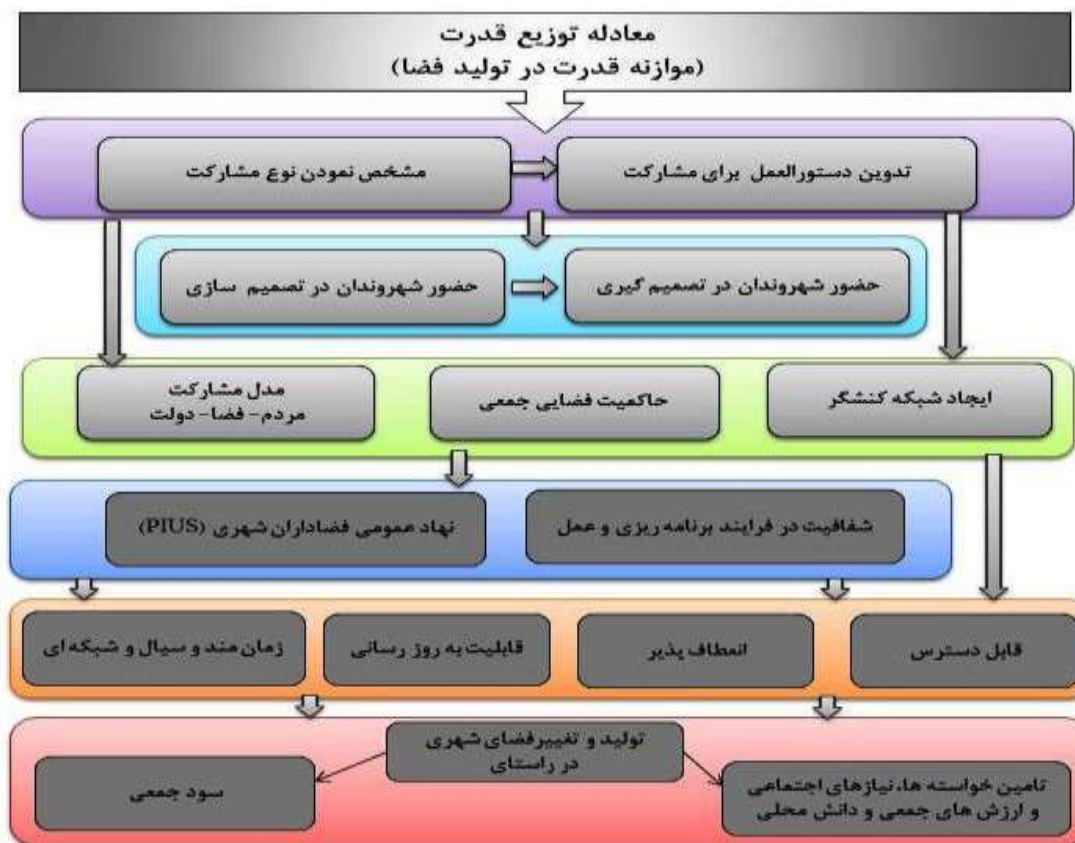
شهروندان نهاده شده با این حال با نگاه واقع بینانه به شرایط موجود جامعه از لحاظ مدیریتی و سیاسی و میزان پذیرا بودن این حق از سوی مدیریت شهری و مدیریت سیاسی کشور این نکته را نمایان می‌سازد که تحقق این حق در جامعه نیازمند یاری و ایجاد بستری است که شهروند در سایه آن بتواند به حق خود نائل گردد. نکته قابل تأمل اینجاست که یک جامعه یا شهر اگر مسیری که قبلاً طی کرده را دوباره به همان روش طی نماید مسلماً به همان مقصدی خواهد رسید که قبلاً رسیده بود، بنابراین برای رسیدن به مقصدی متفاوت باید مسیری متفاوت را طی نمود (فارابی اصل و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰) از این رو نیاز به تغییر مسیر و حل معادله توزیع قدرت در شهر ملموس و مبرهن می‌گردد.

## نتیجه‌گیری

با بررسی ادبیات موجود در حوزه تولید فضا در شهر در پژوهش‌های نظری یا نظریه‌پردازی‌های حاصل از تجارب شهری در نقاط مختلف جهان در دهه‌های اخیر، ملاحظه می‌شود که ادبیات جهانی در مسئله تولید فضا و نقش و قدرت و تأثیرگذاری کنشگران مختلف، از حضور تک‌هسته‌ای (دولت) در این امر، به ضرورت مشارکت کنشگران مختلف تحول یافته و در این مسیر، مشارکت نیز هرروز دچار تحول و اصلاح بیشتر گردیده است بطوریکه خود مشارکت و نحوه و نوع مشارکت به چالش کشیده شده و به ضرورت تدوین دستورالعمل برای مشارکت کنشگران تأکید شده است. چراکه فضاهای شهری تجلی‌گاه حیات مدنی و توسعه مطلوب و پایدار شهر است و تحقق حق بر شهر در همه ابعاد زندگی شهری امروز ضرورت انکارناپذیری است؛ اما دولت‌ها در دهه‌های اخیر به واسطه حجم عظیم منابعی که در اختیار گرفته‌اند، علاوه بر نقش‌آفرینی به شدت پررنگ در تولید و بازتولید فضاهای شهری، برتری کم‌سابقه‌ای در کنترل و هدایت فضای شهری نیز به دست آورده‌اند که نتیجه آن تعمیق نابرابری‌های جغرافیایی و بی‌عدالتی نسبت به شهروندان بوده است. چنانچه همواره مفهوم مشارکت از ابتدا با امر سیاسی و حق مشارکت در حاکمیت پیوند خورده و تضاد همیشگی میان دو کنشگر مردم و نهاد قدرت متمرکز شهری، معادله قدرت را به نفع نهاد قدرت صورت‌بندی می‌کند. از سویی سلطه قدرت سیاسی و سرمایه که فضا را تولید نموده، قادر به پایدار نگه داشتن این فضای همگن و اختصاصی خود نیست و این فضا نمی‌تواند در مقابل تضادهایش بی‌تفاوت باشد و همیشه این تضادها را به نفع سرمایه و قدرت حاکم حل و فصل کند. در این میان وقتی حاکمیت آمرانه و مدیریت یک‌سویه و تکنوکرات و سلطه سرمایه و مالکیت بی‌حدوحصر بخش خصوصی حق بر شهر مردم را به رسمیت نمی‌شناسد و منجر به محرومیت فراگیر شهروندان و بخش عمومی از منافع و ارزش افزوده تولیدشده در فضای شهری می‌گردد، شهروندان نیز با بروز دادن رفتارهای هنجارشکنانه که نشانه‌ای نمادین است وجود و حضور و خواسته خود را به نمایش می‌گذارند. از این رو تلاش‌ها و نظریه‌پردازی‌ها به سمت حضور شهروندان در تصمیم‌سازی و نیز تصمیم‌گیری حرکت نموده است. و آنچه از نتایج تجارب جهانی در تولید فضای شهری، چه برنامه‌ریزی شده و چه تحقق یافته در اثر جنبش‌های مختلف در جهان، حاصل گشته این است که پیچیدن نسخه واحد برای تولید فضا در همه فضاها، محکوم به شکست است. از این رو بومی‌گرایی و زمینه‌گرایی یک اصل اساسی برای تولید فضاهای شهری مطلوب و توسعه پایدار انسانی است. از سویی ایجاد شبکه کنشگران و حاکمیت فضایی جمعی جز جدیدترین یافته‌ها و تأکیدات ارائه شده در ادبیات و تجارب جهانی است. اما نحوه دست‌یابی به این وضعیت مطلوب، متناسب با شرایط موجود هر جامعه‌ای متفاوت است. چون جوامع (کشورهای) مختلف در مراحل متفاوتی از مشارکت و دموکراسی قرار دارند. با وجود اینکه مجموعه تجارب جهانی اعتراضات شهری شهروندان در طول سال‌های متمادی در جهان نشان داده است که مجموعه تصمیمات مردم ساکن هر شهر، شکل آن شهر را می‌سازد، اما از نگاهی دیگر، وجود دولت ضروری است؛ چنانکه باربر مطرح می‌کند، شهر باید کنترل (تنظیم) شود، چون زندگی شهر با هرج و مرج و بدون سازوکارهای انتظام بخش و قابل اجرا رو به انحطاط خواهد رفت (Barrie, 1988) به نقل از (صالحی، ۱۳۸۵: ۵۳). در تجارب جهانی نمونه‌های فراوانی از مشارکت دولت و فضا (نظیر هوسمان در پاریس) و مشارکت مردم و فضا (نظیر میدان التحریر مصر - میدان انقلاب و میدان آزادی در تهران) قابل مشاهده است و در پژوهش‌های محققان هم‌الگوی مشارکت مردم-فضا (جاودانی و پروین، ۱۳۹۴) مطرح شده است که در این الگو، مشارکت، گونه‌ای از روابط قدرت در نظر گرفته شده که در آن فضا نیز در کنار مردم و نهاد قدرت به کنشگری می‌پردازد و بر انتقال قدرت از دولت به مردم به‌عنوان هدف پایه‌ای رویکرد مشارکتی استوار است.

مجموعه بررسی‌ها و مشاهدات نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی شهری در وضع موجود در ایران بیشتر ابزار محقق شدن خواسته کارفرما اعم از دولت‌های محلی و یا دولت مرکزی و نظام حاکمیت است و خلأ نیروها و جایگاه و حق شهروندانی که دیده نشده‌اند

باعث عدم تعادل‌های اساسی در بهره‌مندی از فضاهای تولیدشده در شهر گردیده است از این رو رویکرد برنامه‌ریزی شهری در ایران چاره‌ای ندارد جز اینکه راهی دیگرگونه بیافریند، راهی که به بهترین نحو از میان تفکر درباره چگونگی محقق کردن حق به شهر می‌گذرد. چنانکه لوفور نیز مطرح نموده است "نیاز مبرمی به تغییر رویکرد و ابزارهای روشنفکری وجود دارد. ما به‌ناچار باید انگاره‌ها و رویکردها را از جای دیگری که هنوز چندان آشنا نیست، بگیریم" (Lefebvre, 1996: 151)، پس نظریه‌ای بومی‌شده مطابق با کمبود و نیاز حال حاضر خود را طلب می‌کند یعنی نظریه‌ای برای حل معادله توزیع قدرت در تولید فضای شهری و به تعادل حداقل نسبی رساندن سهم‌های قدرت بین کنشگران تولید و بازتولید فضای شهری. و صدالبته در جوار هر نوع نظریه‌پردازی، توجه به این نکته مهم لوفور ضروری است آنجا که می‌گوید: "اگر نتوانیم نظریه‌ها را به عمل درآوریم، هیچ کاری نکرده‌ایم" (Lefebvre, 1996: 148) و این تأکید جین هیلیر نیز راهگشا است که وضع موجود و حتی پایدارترین حاکمیت همیشه به‌نوعی از طریق بسیج حیرت‌انگیز، "پنجره‌های فرصت" و "شکاف در ساختار" تغییر می‌کند. از این رو بنابر مباحث نظری و پیشینه مطرح‌شده و نیز یافته‌های مطالعه حاضر، با موردتوجه قرار دادن تحول مفهوم قدرت در نظریات اندیشمندان و تحول جایگاه قدرت در نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری و به‌ویژه نظریه‌های مشارکت و تولید فضای شهری و به‌ویژه نظرات صاحب‌نظرانی چون جین هیلیر، پتسی هیلی، هانری لوفور و دکتر سیدمحسن حبیبی و در پی تلاش در کمک به پر کردن شکاف دانش کاربردی موجود در حوزه برنامه‌ریزی شهری، به‌صورت عملیاتی و اجرایی و بومی‌شده با شرایط سرزمینی ایران در راستای شهروندمدارتر شدن تولید فضاهای شهری، مطلوب‌ترین مدل تحقق‌پذیری که می‌تواند برای ایران (و به‌التبع اراضی عباس‌آباد تهران) کاربردی و مؤثر باشد و در این پژوهش پیشنهاد می‌شود؛ **مدل مشارکت "مردم-فضا-دولت"** است. چراکه این یک واقعیت انکارناپذیر است که وجود دولت در یک جامعه برای حفظ ثبات و امنیت آن جامعه ضرورت دارد و وجود این نوع الگو در راستای نیل به حاکمیت جمعی با ایجاد شبکه کنشگرهایی که قابل‌دسترس و انعطاف‌پذیر و سیال بوده و قابلیت به‌روزرسانی داشته باشد میسر می‌گردد. شفافیت در فرایند برنامه‌ریزی و عمل که از دیگر حلقه‌های مفقوده برنامه‌ریزی در ایران است باید به وجود آید. در راستای عملیاتی شدن این الگوی مشارکت در تولید فضای شهری، تشکیل نهاد عمومی فضا‌داران شهری پیشنهاد می‌گردد. تحقق این مدل، منجر به تولید و تغییر فضای شهری در راستای تأمین خواسته‌ها و نیازهای اجتماعی و ارزش‌های جمعی و دانش محلی و درنهایت سود جمعی خواهد شد. در این مدل پیشنهادی، خود فضا نیز در جریان این فرایند حائز اهمیت شمرده شده و به رسمیت شناخته می‌شود. برای عملیاتی شدن این مدل، ضروری است یک نهاد میانجی برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا با عنوان **"نهاد عمومی فضا‌داران شهری"** تشکیل گردد. ساختار یا عناصر این نهاد که نهادی میانجی و بی‌طرف و درعین‌حال مدافع حقوق کلیه ذی‌نفعان و ذی‌نفعان البته با اولویت اصلی شهر و شهروندان و **دارای جایگاه قانونی** (در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری) خواهد بود ترکیبی از نمایندگان دولتی، بخش خصوصی (شامل حرفه‌مندان، جامعه تخصصی شهرسازی و معماری و اساتید صاحب‌نظر دانشگاهی در رشته‌های مرتبط با فضا) و همچنین نمایندگانی مورد اعتماد از شهروندان (کاربران فضا) است که اعضای این نهاد از بین خود یک نفر راهبر به نام «فضادار شهری ارشد»، برای نهاد انتخاب می‌کنند. یک تفاوت این نهاد جدید با نهادهای قبلی موجود نظیر شورای شهر و شورای محله، یا شهردار و .. این است که علاوه بر جنس و ترکیب اعضا که گفته شد، اولاً در ساختار اعضای نهاد، علاوه بر اعضای مشخص شده اصلی مذکور، یک بخش انعطاف‌پذیر و سیال نیز وجود دارد که باهدف حضور افرادی خاص در زمان‌ها و موضوعات خاص است و دوم اینکه رسالت و هدف اصلی این نهاد عمومی، در حوزه تولید و بازتولید و حفاظت از فضاهای شهری است که از فناوری‌های جدید ارتباطات (مشارکت الکترونیکی) برای اخذ نظرات و مشارکت راحت‌تر شهروندان در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بهره گرفته می‌شود. این نهاد عمومی می‌تواند به‌تناسب، از خرد به کلان، برای منطقه، شهر و حتی کشور تعریف گردد. با اجرای درست و اصولی این تحول در نقش و عملکرد کنشگران در شبکه کنشگران تأثیرگذار در تولید فضای شهری، می‌توان گفت به‌نوعی تولید فضای خودسازمان‌ده درگذر زمان به تحقق خواهد پیوست. برپایه نظریه‌ی PIUS (مدل مشارکت مردم - فضا - دولت)، بسترسازی قانونی برای فعالیت‌های شبکه‌ای غیررسمی شامل طیف گسترده‌ای از بازیگران در قالب "گفتگوی آزاد قانون‌مدار"، در ترکیب هدفمند با شبکه‌های رسمی، تأثیرگذار مثبت و کارا و منطقی و همه‌نگر بر فرایند برنامه‌ریزی و اصلاح شکاف‌های موجود در پروسه تولید و بازتولید فضاهای شهری در سایه حاکمیت فضایی جمعی و شفافیت در فرایند برنامه‌ریزی و عمل و شبکه‌سازی سیال، زمانمند و انعطاف‌پذیر و قابل‌دسترس خواهد بود که حاصل آن سود جمعی اکثریت ذی‌نفعان است. (شکل ۱۰ نظام موازنه (تعادل سازی) قدرت کنشگران در تولید فضای شهری پیشنهادی در این پژوهش را به تصویر می‌کشد).



شکل ۱۰. نظام موازنه (تعادل‌سازی) قدرت کنشگران در تولید فضای شهری

## تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از رساله دکتری تخصصی شهرسازی نویسنده اول، به راهنمایی زنده یاد دکتر سیدمحسن حبیبی و نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم بوده که در گروه شهرسازی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین از آن دفاع شده است.

## منابع

- ایمانی شاملو، جواد و رفیعیان، مجتبی. (۱۳۹۵). قدرت و بازتعریف نظریه برنامه‌ریزی شهری (با تأکید بر دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا). فصلنامه راهبرد، ۲۵(۸۰)، ۲۸۷-۳۱۹.
- توکلی‌نیا، جمیله و شمس پویا، محمدکاظم. (۱۳۹۵). قدرت و حکمروایی شهری، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- توپچی خسروشاهی، مسعود؛ تقفی اصل، آرش؛ ستارزاده، داریوش و ستاری ساربانقلی، حسن. (۱۴۰۲). تدوین چارچوب برنامه‌ریزی و طراحی توسعه فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: شهر تبریز). مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۸(۴)، انتشار آنلاین. [https://jshsp.rasht.iau.ir/article\\_699648.html](https://jshsp.rasht.iau.ir/article_699648.html)
- جاودانی، علی و پروین، حسین. (۱۳۹۴). مشارکت فضا و مردم یا اتصال امر سیاسی و فضای شهری (نمونه موردی: محله باب‌الوزیر و میدان التحریر قاهره). باغ نظر، ۱۲(۳۴)، ۱۰۹-۱۲۴.
- حبیبی، محسن. (۱۳۹۱). قصه شهر تهران، نماد شهر نوپرداز ایرانی با تأکید بر دوره ۱۳۳۲-۱۲۹۹. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- حسینی‌پور، حنیفه؛ کاظمی، علی و تقفی، آرش. (۱۴۰۲). ارزیابی تأثیر مؤلفه نفوذپذیری بر ارتقای کیفیت در فضاهای باز عمومی با روش چیدمان فضا (Space Syntax) نمونه مطالعاتی: محله باقراآباد شهر رشت. مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۸(۳)، انتشار آنلاین. [https://jshsp.rasht.iau.ir/article\\_690928.html](https://jshsp.rasht.iau.ir/article_690928.html)

- داروپناه، افشین. (۱۳۹۱). درآمدی بر مدیریت و کاربرد نمادها و نشانه‌ها در فضای شهری. تهران. ایران. انتشارات دریافت. ۳۴۰ صفحه.
- صالحی، اسماعیل. (۱۳۸۵). نقش ضوابط و مقررات شهرسازی در تحقق شهر خوب و توسعه پایدار شهری مطالعه موردی: تهران. محیط شناسی، ۳۳(۴۰)، ۵۱-۶۲.
- شاهین راد، مهنوش؛ رفیعیان، مجتبی و پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۹۸). خوانش قصه‌های جامعه از متن فضای شهری: تقویت و تداوم حس مکان. معماری شهرسازی آرمانشهر. ۱۲(۲۷)، ۱۱۹-۱۲۹.
- شکوه‌فر، فهیمه؛ داودپور، زهره و بیگدلی‌راد، وحید. (۱۴۰۱). واکاوی چالش تفاوت‌های جنسیتی و حق بر شهر (مطالعه موردی: شهر قزوین). مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۷(۴)، ۹۸۹-۹۷۷.
- شبعه، اسماعیل؛ اصلانی، احسان و اصلانی، مریم. (۱۳۹۶). رویکرد شهروندی فضایی؛ چهارچوبی برای مشارکت شهروندان در فرآیندهای برنامه‌ریزی شهری. مجله کاربرد سیستمی اطلاعات جغرافیایی و سنجش از دور در برنامه‌ریزی، ۸(۳)، ۶۷-۴۵.
- فارابی اصل، نیر؛ پورجعفر، محمدرضا و داودپور، زهره. (۱۳۹۶). تبیین جایگاه شهروند خلاق - شهروندی فضایی در تحقق حق بر شهر. چهارمین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی پایداری و تاب‌آوری از آرمان تا واقعیت. (صص ۱-۱۳). دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین. قزوین. ایران.
- قریشی، غزاله سادات؛ رفیعیان، مجتبی و فرج‌زاده، منوچهر. (۱۳۹۵). ارزیابی الگوی تعاملات شهروندان با پروژه‌های اراضی عباس آباد تهران با تاکید بر رویکرد شهروندی فضایی. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی. ۲۱(۳)، ۳۹-۵۲.
- کلگ، استوار. آر. (۱۳۸۳). چهارچوب‌های قدرت. مترجم: مصطفی یونسی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کرسول، جان دبلیو. (۱۳۹۸). طرح پژوهش (رویکردهای کمی کیفی و ترکیبی). ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبایی.
- لوکس، استیون. (۱۳۹۳). قدرت: نگارشی رادیکال. ترجمه عماد افروغ، تهران: نشر علم، چاپ اول.
- محمدرزاده، علی؛ پورعزت، علی اصغر؛ رضایان قیه‌باشی، احد و پیران نژاد، علی. (۱۳۹۹). تصویرپردازی از مشارکت شهروندی با هدف بهبود حکمروایی شهری (مورد مطالعه: شهر تهران). دانش شهرسازی. ۴(۴)، ۱۱۷-۱۳۵.
- نای، جوزف. (۱۳۹۲). آینده قدرت. ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.
- وکیلی، شروین. (۱۳۸۹). نظریه قدرت. تهران: نشر شورآفرین.
- هیلبیر، جین. (۱۳۸۸). سایه‌های قدرت (حکایت‌دوراندیشی در برنامه‌ریزی کاربری اراضی). ترجمه کمال پولادی، ناشر جامعه مهندسان مشاور ایران.
- هیلی، پتسی. (۱۳۹۷). پیچیدگی شهری و استراتژی‌های فضایی - برنامه‌ریزی رابطه‌های هماهنگ با زمان. مترجم: حسین رضاکشاورز قدیمی. انتشارات آرمانشهر. چاپ اول. ۳۶۶ صفحه.
- Amin, A. (2008). Collective culture and urban public space. *Cities*, 12(1), 5-24.  
<http://dx.doi.org/10.1080/13604810801933495>.
- Arnstein, Sherry R. (2007). A Ladder Of Citizen Participation. *Journal of the American Institute of Planners*, 35 (4), 216-224.
- Adams, D., & Tiesdell, S. (2013). Shaping places: Urban planning, design and development. *Routledge*. ISBN 9780415497978. 368 Pages.
- Alathur, S., Ilavarasan, P. V., & Gupta, M. P. (2016). Determinants of e-participation in the citizens and the government initiatives: Insights from India. *Socio-Economic Planning Sciences*, 55, 25-35.
- Bidandi, F., & Williams, J J. (2020). Understanding urban land, politics, and planning: A critical appraisal of Kampala's urban sprawl. *Cities* (106) 102858, 1-9. journal home page: [www.elsevier.com/locate/cities](http://www.elsevier.com/locate/cities).
- Butler, Christopher. (2004). Law and the Social Production of Space. Thesis (PhD Doctorate). Griffith Law School. doi: <https://doi.org/10.25904/1912/2827>. Downloaded from: <http://hdl.handle.net/10072/366870>. Griffith Research Online: <https://research-repository.griffith.edu.au>
- Butler, Chris. (2009). Critical Legal Studies and the Politics of Space. *18*(3), 313-332  
<https://doi.org/10.1177/0964663909339084>.
- Butler, Chris. (2014). Henri Lefebvre: Spatial Politics, Everyday Life and the Right to the City. ISBN 9780415534154. Published March 13, 2014 by Routledge-Cavendish. 194 Pages.
- Butler, Chris. (2018). Space, politics, justice. dc.identifier.1-22. doi:10.4324/9781.315666525. dc.identifier.uri: <http://hdl.handle.net/10072/351665>.
- Brown, K., Jennings, T. (2003). Social consciousness in landscape architecture education: Toward a conceptual framework. *Landscape Journal*, 22(2), 99-112.

- Carmona, M. (2014). The place-shaping continuum: A theory of urban design process. *Journal of Urban Design*, 19(1), 2–36. <http://dx.doi.org/10.1080/13574809.2013.854695>.
- Carmona, M. (2016). Design governance: Theorizing an urban design sub-field. *Journal of Urban Design*, 0(0), 1–26. <http://dx.doi.org/10.1080/13574809.2016.1234337>.
- Childs, M.C. (2008). Storytelling and Urban Design. *Journal of Urbanism*, 1(2), 173- 186.
- Douzinis, C. (2012). Athens rising. *European Urban and Regional Studies*, 20(1), 134–138.
- Francis, M. (1989). Control as a dimension of public-space quality. In I. Altman, & E. H.Zube (Eds.). *Public places and spaces*, 147 –172. Boston, MA: Springer US. [http://dx.doi.org/10.1007/978-1-4684-5601-1\\_7](http://dx.doi.org/10.1007/978-1-4684-5601-1_7).
- Goldstein, J. B., & Elliott, C. C. (1994). *Designing America: Creating urban identity: A primer on improving US cities for a changing future using the project approach to the design and financing of the spaces between buildings*. Van Nostrand Reinhold Company.
- Guardiola-Rivera, O. (2012). A jurisprudence of indignation. *Law and Critique*, 23(3), 253-270.
- Gryl, I., & Jekel, T. (2012). Re-centering GI in secondary education: Towards a spatial citizenship approach. *Cartographica*. 47(1), 2-12.
- Gregson, N., & Crewe, L. (1997). The bargain, the knowledge, and the spectacle: making sense of consumption in the space of the car-boot sale. *Environment and Planning D Society and Space*, 15(1), 87-112. doi: [10.1068/d150087](https://doi.org/10.1068/d150087).
- Healey, P. (2003). *Collaborative Planning in Perspective*, University of Newcastle upon Tyne, UK, Planning Theory, Copyright © 2003 SAGE Publications ,(London, Thousand Oaks, CA and New Delhi) , 2(2), 101–123 , [1473-0952(200307) 2:2;101–123;035447]. [www.sagepublications.com](http://www.sagepublications.com)
- Hajer, M., & Reijndorp, A. (2001). In search of new public domain. NAI Rotterdam.
- Hennig, S., & Volger, R. (2013). Geomedia skills - a required prerequisite for public participation in urban planning? In: Schrenk, M., Popovich, V.V., Zeile, P. & Elisei, P. (eds.): REAL CORP 2013 Proceedings. 357-366. Online available at: [http://programm.corp.at/cdrom2013/papers2013/CORP2013\\_116.pdf](http://programm.corp.at/cdrom2013/papers2013/CORP2013_116.pdf)
- Iveson, K. (2014). The spatial politics of the Aboriginal Tent Embassy, Canberra. In *The Aboriginal Tent Embassy: Sovereignty, Black Power, Land Rights and the State*, eds. Foley, G. et al., 251-266. Routledge.
- Inam, A. (2002). Meaningful urban design: Teleological/catalytic/relevant. *Journal of Urban Design*, 7(1), 35 –58. <http://dx.doi.org/10.1080/13574800220129222>.
- IAP2- International Association for Public Participation. (2007). Spectrum of Public Participation. Retrieved from [http://www.iap2.org/associations/4748/files/spe\\_ctrum.pdf](http://www.iap2.org/associations/4748/files/spe_ctrum.pdf) [24.2.2013].
- Jiang, B., Huang, B., & Vasek, V. (2003). *Geovisualization for Planning Support Systems*. Geertman, S. & Stillwell, J. (eds.): *Planning Support Systems in Practice*, Springer, Berlin, 177-191.
- Kohn, M. (2004). *Brave new neighborhoods: The privatization of public space*. Psychology Press.
- Lefebvre, H., & Enders, M. J. (1976). Reflections on the politics of space. *Antipode*, 8(2), 30–37.
- Lefebvre, H. (1996). The right to the city. *Writings on cities*, 63-181.
- Madanipour, A. (2003). *Public and private spaces of the city*. Routledge.
- Mitchell, D., & Staeheli, L. A. (2009). Public space. *International encyclopedia of human geography* (pp. 511 –516). Amsterdam, Boston, London, New York: Elsevier.
- Mitchell, D. (2003). *The right to the city: Social justice and the fight for public space*. Guilford Press.
- Pokraka, L. (2016). Spatial Citizenship for all? Impulses from an Intersectionality Approach, *GI\_Forum Journal for Geographic Information Science*, 1, 262-268.
- Renn, O., Webler, T., Rakel, H., Dienel, P., & Johnson, B. (1993): Public Participation in decision making: A three-step procedure. *Policy Sciences*. 26(3), 189-214.
- Rhodes, R. A. W. (1997). *Understanding governance: Policy networks, governance, reflexivity and accountability*. Open University Press. (Retrieved from) <http://eprints.soton.ac.uk/336524/>
- SPACIT: the project products for Spatial Citizenship as focus of the final meeting in Palermo, (2014). <http://cesie.org/en/in-action/higher-education-research/spacit-meeting-finale/>
- Sorkin, M. (1992). *Variations on a theme park: The new American city and the end of public space*. Macmillan.
- Shen, T., Yao, X., & Wen, F. (2021). The Urban Regeneration Engine Model: An analytical framework and case study of the renewal of old communities. *Land Use Policy*, Volume 108, 105571, ISSN 0264-8377, <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105571>. (<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0264837721002945>).
- Siyam, N., Alqaryouti, O., & Abdallah, S. (2019). Mining government tweets to identify and predict citizens engagement. *Technology in Society*, 101211.

- Simonofski, A., Vallé, T., Serral, E., & Wautelet, Y. (2019). Investigating context factors in citizen participation strategies: A comparative analysis of Swedish and Belgian smart cities. *International Journal of Information Management*, 56(1), 102011. doi: [10.1016/j.ijinfomgt.2019.09.007](https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2019.09.007).
- Wang, L., & Xiao, Sh. (2020). Tourism space reconstruction of a world heritage site based on actor network theory: A case study of the Shibing Karst of the South China Karst World Heritage Site. *International Journal of Geoheritage and Parks*, 8(2), 140–151.
- Wall, I. (2012). Tunisia and the critical legal theory of dissensus. *Law and Critique* 23(3), 219- 236.
- Worpole, K., & Knox, K. (2008). The social value of public spaces. Joseph Rowntree Foundation.
- Xiaolin, Z. (2011). REVIEW ON STUDIES ON PRODUCTION OF URBAN SPACE. *Economic Geography*. Corpus ID: 204338791.
- Zamanifard, H., Alizadeh, T., Coiacetto, E., & Sipe, N. (2016). Why some places do better than others: A closer look at urban public space management. Presented at the 9<sup>th</sup> International Urban Design Conference, Canberra.
- Zamanifard, H., Alizadeh, T., Bosman, C. (2018). Towards a framework of public space governance. *Cities*, 78, 155-165. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.02.010>.
- Zhao, Y. (2017). The Hegemony of Urbanisation - Questioning the Production of Space by the State in Beijing's Green Belts. A thesis submitted to the Department of Geography and Environment at the London School of Economics and Political Science for the degree of Doctor of Philosophy, London.

**How to cite this article:**

Farabi-Asl, N., Rafieian, M., & Khatibi, M.R. (2023). Towards a Balance of Power Distribution Among Urban Space Production Actors-,Development of PIUS theory(Model of People-Space-Government Participation). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 18(2), 93-113.

ارجا به این مقاله:

فارابی اصل، نیر؛ رفیعیان، مجتبی و خطیبی، محمدرضا. (۱۴۰۲). بسوی موازنه توزیع قدرت کنشگران در تولید فضای شهری- تدوین نظریه ی PIUS (مدل مشارکت مردم -فضا- دولت). فصلنامه مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی، ۱۸ (۲)، ۹۳-۱۱۳.

# فصلنامه علمی

## مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی